

۲
ایرانشیخ هزینه‌زا
درباره غلامرضا قاسمیان۴
کافهنویسندگان علیه صهیونیسم
اعتراض ۳۸۰ روشنفکر جهان به نسل‌کشی در غزه۵
تماشاسنگ‌اندازی از سوی دوست و دشمن
بالاتکلیفی فیلم پیرپسر۶
توسعهبحران مدیریتی
در قشمدرخواست نمایندگان استان هرمزگان از پزشکيان
برای انتخاب مدیرعامل جدید برای منطقه آزاد قشم

یادداشت روز

بازآفرینی جایگاه ایران

هویت خودمان را چگونه در منطقه و جهان
شکل بدهیم و نقش موثری ایفا کنیم؟

حسن موسوی‌بجنوردی

آینده‌پژوه

این روزها بسیار پیرامون سبب «همبستگی ملی» گفت‌وگو می‌شود و افسوس گاهی تا مرز کشمکش و خصومت نیز پیش می‌رود. برخی اهل نظر عناصر فرهنگی چون زبان فارسی را عامل اتحاد می‌دانند و گروهی دیگر با چنین ایده‌ای هم‌داستان نیستند. در واقع آنچه باید مایه وحدت شود، موجب افتراق شده است. با این حساب برای ورود به بحث نخست باید دریابیم اساساً دنیای امروز در چه وضعیتی قرار دارد و به چه سویی درحال گذار است. مجموعه تحولات جهانی را از هر جهت که بنگریم، تردیدی باقی نمی‌گذارد با سپهر دگرگون شده‌ای مواجه شده‌ایم که با گذشته به کلی متفاوت است و برای ادامه حیات در دنیای آینده، نیاز به چشم‌اندازی نو شده، داریم. خوب است بدانیم، چالش هویت ملی و دولت-ملت و نسبتش با دنیای نوین، جهانی شدن و فن‌آوری، مساله‌ای است که در بطن بسیاری جوامع جاری است و فقط مختص ما نیست، گرچه در جوامع متنوع‌تری چون ایران، موضوع فوق، افزون‌تر به چشم می‌آید. باید درک کنیم، «پارادایمی به کلی نو» از هر حیث و در همه لایه‌های زیستی جهان نوظهور در مسیر تکوین است و پس از این همه چیز در نسبت با آن باید بازتعریف شود.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت ویژه

به‌سوی آینده‌ای پاک

چرا نوسازی ناوگان حمل‌ونقل
یک ضرورت ملی است؟

مهدی اسمی‌زاده

مدیرعامل شرکت‌های گروه آیسان

ایران امروز در نقطه‌ای حساس از نظر توازن انرژی قرار دارد. رشد فزاینده مصرف سوخت، فشار بر شبکه‌های تأمین انرژی و فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل شهری و بین‌شهری نیاز به یک تحول ساختاری و سریع را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در این میان طرح ملی نوسازی ناوگان حمل‌ونقل نه فقط به‌عنوان یک پروژه اجرایی بلکه به‌عنوان برنامه‌ای کلان برای کاهش ناترازی انرژی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان آغاز شده است. در طراحی و اجرای این طرح، تلاش شد با رویکردی تلفیقی از منابع داخلی و ظرفیت‌های بین‌المللی، سرمایه‌ای چشمگیر جذب شود. اکنون بیش از ۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه ناوگان جاده‌ای، حمل‌ونقل عمومی، لجستیک و خودروهای پاک به کشور تزریق خواهد شد. طرح بر سه محور کلیدی استوار است:

۱- نوسازی ناوگان باری و مسافری بین‌شهری

۲- جایگزینی موتورسیکلت‌های کاربراتوری با نمونه‌های برقی

۳- توسعه ناوگان تاکسی‌ها و خودروهای شهری پاک در کنار این منابع مالی، سازوکارهایی همچون تسهیلات بانکی، معافیت‌های گمرکی، مشوق‌های مالیاتی و بسته‌های حمایتی برای مشارکت بخش خصوصی و مردم نیز طراحی شده است تا اطمینان حاصل شود این تحول با مشارکت جمعی و به‌رودری حداکثری همراه خواهد بود. فاز نخست عملیات اجرایی از همین ماه در چند استان پایلوت آغاز می‌شود. ورود نخستین تجهیزات و آغاز نوسازی ناوگان، گام نخست در مسیری است که هدف آن نه‌فقط کاهش مصرف سوخت و دستیابی به حمل‌ونقل هوشمند، کم‌مصرف و دوستدار محیط‌زیست است. امید دارم این مسیر، الگویی موفق برای توسعه پایدار و ارتقای فناوری حمل‌ونقل کشور باشد. ما با هم می‌توانیم، آینده‌ای بسازیم که در آن نفس کشیدن آسان‌تر، سفر ایمن‌تر و زندگی شهری پاک‌تر باشد.

موتور روشن قانون خاموش

سازندگی به بهانه اظهارات رئیس مرکز صدور گواهینامه پلیس راهور

به بررسی ممنوعیت تبعیض‌آمیز موتورسواری زنان پرداخته

و این پرسش را مطرح می‌کند که چرا مجلس این ممنوعیت ناشی از خلأ قانونی را برطرف نمی‌کند؟



سوی مجلس است و در حال حاضر پلیس راهور مجوز قانونی برای این اقدام را ندارد.» این اظهارنظرها در حالی مطرح می‌شوند که قانون راهنمایی‌وراندگی فعلی صرفاً به «صدور گواهینامه موتورسیکلت برای مردان» اشاره کرده و از محتوای صریحی درباره زنان سخن نگفته است. به اضافه اینکه زنان در پیست‌های موتورسواری با یکدیگر مسابقه می‌دهند و تیم موتورسواری زنان در کشور وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که وضعیت کنونی در برخورد با زنان موتورسوار بیش از آنکه ناشی از یک بند

قانونی واضح باشد به تفسیرها و سلیقه‌های اجرایی و فضای فرهنگی حاکم مربوط است. قانون راهنمایی و راندگی مصوب ۱۳۸۹ تنها در تبصره ماده ۲۰ خود صراحتاً می‌گوید که «صدور گواهینامه راندگی موتورسیکلت برای مردان بر عهده نیروی انتظامی است» و درباره زنان سکوت کرده است. بر این اساس پلیس راهور در عمل اجازه صدور گواهینامه موتور برای زنان را نمی‌دهد. سرهنگ امیری با تأکید بر همین خلأ قانونی گفته است که مجلس تاکنون «اختیار صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان را به پلیس نداده.»

به عبارت دیگر معتقد است برای این کار باید قانون تغییر کند. پیش از او، فرماندهان سابق پلیس نیز بارها اعلام کرده‌اند «راندگی بانوان با موتورسیکلت ممنوع است» چون مجوزی داده نشده و در صورت تردد با موتورسیکلت بدون گواهینامه تحت عنوان مجرم رفتار می‌شود. احمد وحیدی، وزیر کشور دولت سیزدهم، اردیبهشت‌ماه سال گذشته گفته بود که برنامه‌ای برای رفع این محدودیت وجود ندارد و دولتمردان چهارم هم هنوز اظهارنظر صریحی در این باره نکردند.

ادامه در صفحه ۷

فائزه مومنی



گروه اجتماعی

در روزهای گذشته اظهارات سرهنگ آرش امیری، رئیس مرکز صدور گواهینامه پلیس راهور مبنی بر «نیاز صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان به مصوبه مجلس» بار دیگر بحث و جدل‌ها درباره حق زنان در موتورسواری را داغ کرده است. امیری گفته است: «صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان منوط به تصویب مقررات لازم از



سال هشتم شماره ۱۹۸۱
پنج‌شنبه ۸ خرداد ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

میهن

رهنمود

رهبر انقلاب اسلامی

در دیدار وزیر کشور و استانداران:

سخنان حتی تندمردم را

باید با حوصله شنید



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر کشور و استانداران با تأکید بر اینکه استانداران مدیران همه‌جانبه استان هستند، فضای عمومی کشور را برای خدمت مناسب و فرصت‌ها را زیاد دانستند و ضمن بیان برخی توصیه‌ها، گفتند: یکی از موضوعات مهم موضوع مردم است که باید به میان مردم رفت و در اجتماعات آنها حاضر شد و سخنان آنها را حتی اگر تند باشد با حوصله شنید و به آنها توضیح لازم داده شود. آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، استاندار را مسئول همه امور استان همچون تولید، محیط زیست، خدمات شهری، بازارچه‌های مرزی و دیپلماسی استانی خواندند و گفتند: البته با وجود تأکید بر این اصل در دولت‌های مختلف، رؤسای جمهور به علت مخالفت برخی وزرا نتوانستند آن را به طور کامل حاکم کنند اما باید به استانداران اختیار داده شود تا آنها بتوانند در خصوص مسائل، تصمیم‌گیری و اقدام کنند.

ایشان با اشاره به سرشار بودن کشور از فرصت‌ها و عاری بودن فضای عمومی از چالش‌هایی همچون جنگ، بیماری فراگیری مانند کرونا، مشکلات حاد امنیتی و اختلافات جناحی و سیاسی پر رنگ خاطرنشان کردند: علاوه بر این، کشور از ظرفیت عظیم نیروی انسانی جوان، تحصیل کرده و کارآمد برخوردار است که هر دستگاہی این ظرفیت را شناسایی و از آن استفاده کرد، پیشرفت‌های ملموسی رقم خورده است.

رهبر انقلاب از عضویت ایران در مجامع مهم منطقه‌ای و جهانی همچون شانگهای و بریکس و سکانداری وزارت کشور به دست وزیری که شناخت خوبی از مناطق مختلف کشور دارد به‌عنوان فرصت‌هایی دیگر یاد کردند و با توصیه به انتخاب مدیرانی برخوردار از روحیه خدمت و سلامت نفس برای پیشبرد امور، گفتند: اگر مدیرانی با این روحیات برای استان انتخاب کنید هیچ فرصتی برای کار و پیشرفت از دست نخواهد رفت. ایشان با تأکید بر پرهیز استانداران از فعالیت‌های حاوی تعارض منافع همچون تجارت شخصی در دوره کوتاه خدمت، مراقبت از سلامت کشور و مبارزه با فساد را ضروری دانستند و افزودند: برخی سعی کردند، ثابت کنند که فساد در جمهوری اسلامی به قول خودشان سیستمی است در حالی که چنین چیزی دروغ است و دستگاه سالم است اما رگه‌های قوی یا ضعیف فساد در برخی بخش‌ها وجود دارد که باید با آن موارد قاطعانه مبارزه کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای مبارزه با فساد را از وظایف قطعی مدیران ارشد دانستند و با تأکید بر اینکه شرط لازم و اول مبارزه با فساد، دور بودن مسئولان و خانواده‌هایشان از عوامل فسادزا است، افزودند: ضرر و زیان دچار شدن یک مسئول به فساد به علت جایگاه حساسی که در آن قرار دارد، مضاعف و عذاب آن نیز در پیشگاه الهی دوجندان است البته همچنان‌که در پیام مفصل و مهم چندین سال قبل تأکید کردم، فساد همچون اژدهایی هفت‌سر است که به آسانی از بین نمی‌رود و مبارزه با آن را باید ادامه داد.

ایشان در توصیه‌ای دیگر، مسئولان و استانداران را به حضور در میان مردم و گرم گرفتن با آنها و شنیدن با حوصله سخنان حتی تند مردم سفارش کردند و افزودند: این کار باعث جلب محبت مردم به شما و کمک آنها در مواقع حساس خواهد شد. رهبر انقلاب همچنین استانداران را به تشرع، اجتناب از محرمات الهی و اقبال به آیین‌های دینی، اهتمام به تحقق شعار سال و مبارزه جدی و هماهنگ با قاجاق کالا توصیه کردند.

در ابتدای این دیدار، آقای «اسکندر مؤمنی» وزیر کشور ضمن بیان گزارشی از برنامه‌های در دست اقدام گفت: سرمایه‌گذاری برای تولید، محرومیت‌زدایی، اشتغال‌زایی، مردم‌داری و مهرورزی به مردم و ارتباط با طبقات مختلف، جوان‌گرایی، دیپلماسی اقتصادی و ارتباط با همسایگان، ساماندهی اتباع بیگانه و تأمین امنیت پایدار از جمله برنامه‌ها و اولویت‌های وزارت کشور است.

شیخ هزینه‌زا

درباره اظهارات تند و رادیکال غلامرضا قاسمیان که روابط ایران و عربستان را به چالش کشید



وزیر دفاع عربستان به تهران سخن گفت. این امیدواری، نمودی از تلاش دولت برای حفظ ثبات در روابط دوجانبه است. سخنان بیات در حالی است که مسئولان حج و زیارت کشور پیش و حین اعزام بیش از ۸۵ هزار زائر ایرانی بارها بر ضرورت حفظ احترام و رعایت موازین کشور میزبان تأکید کرده‌اند.

در میانه این بحران، روزنامه‌ها و رسانه‌ها هر کدام از زاویه‌ای به موضوع نگر می‌بینند. روزنامه خراسان، نزدیک به جریان اصول‌گرای میانه، نوشت: «در روزهایی که دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با عربستان وارد مرحله تازه‌ای از تعامل شده، تلاش جریان‌هایی خاص برای قهرمان‌سازی از قاسمیان، نگران‌کننده است.» سایت مشرق نیز گرچه بیشتر از منظر درونی به موضوع نگاه کرد اما تلویحاً ضعف هماهنگی بین نهادهای اعزام‌کننده زائر و دیپلماسی رسمی را هشدار داد.

واکنش‌ها به بازداشت قاسمیان ادامه‌دار است. روح‌الله جمعه‌ای، مشاور اسبق وزیر کشور صراحتاً نوشت: اظهارات تحریک‌آمیز قاسمیان تعدی بود؛ نباید ریالی برای آزادی‌اش هزینه کرد. در میان این همه‌ها، حجت‌الاسلام سیدعبدالفتاح نواب، نماینده ولی فقیه در امور حج از منظر اخلاقی‌تر سخن گفت و ضمن انتقاد از قاسمیان، خواستار مدارا از سوی مقامات سعودی شد تا او بتواند اعمال حج را انجام دهد و بازگردد.

سخنگوی قوه قضاییه نیز دو روز پیش خبر داد که وزارت خارجه موضوع را پیگیری می‌کند. سخنی که نشانه‌ای از تلاش برای کاستن از هزینه‌های احتمالی در فضای متشنج موجود است.

در نهایت، این پرونده بیش از آنکه مربوط به یک فرد باشد، بازتابی است از منازعه میان دو نگاه در سیاست داخلی ایران است. نگاهی که سیاست خارجی را صحنه عقلانیت، حساب‌گری و تدبیر می‌داند و نگاهی که با ادبیات تقابل و هیجان‌زدگی هنوز در گذشته‌ای پر از دود و آتش سیر می‌کند. شاید وقت آن رسیده باشد که نسبت میان آزادی بیان و منافع ملی میان احساسات و مصالح منطقه‌ای و میان فرد و دولت با دقتی بیشتر بازتعریف شود. زیرا در روزگاری که حتی یک خردمندی، نه یک انتخاب که ضرورتی ملی است.

از خود بزرگ‌بینی و خودشیفتگی و با اظهار وجود و خودنمایی و یا توهم‌گرایی، جوگرایی و یا انگیزه‌های سیاسی بوده که در درجه اول چهره خود آن‌ها را مخدوش می‌کند و در مرحله بعد بدون فایده قابل توجه مشغله ذهنی برای مسئولان و مردم به وجود می‌آورند.

در سوی دیگر، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ضمن محکومیت اقدام قاسمیان، تلاش کرد با ادبیاتی دیپلماتیک، پیام صلح و عقلانیت ایران را به گوش مقامات سعودی و جامعه جهانی برساند: «جمهوری اسلامی ایران با صراحت کامل هرگونه تلاش برای ضربه زدن به وحدت مسلمانان را، به‌ویژه در فضای معنوی حج، محکوم می‌کند. ما مصمم هستیم که به هیچ‌کس اجازه ندهیم به روابط برادرانه ما با همسایگان‌مان از جمله به مسیر رو به جلوی روابط با عربستان سعودی آسیب بزند.» اما این موضع‌گیری‌ها، خشم جریان‌های تندرو را برانگیخت. سایت رجانیوز نزدیک به جبهه پایداری و سعید جلیلی در واکنشی تند نوشت: «اگر خونی از بینی حجاج انقلابی ما بریزد، مقصر، مقامات منفعل ما هستند.» این تهدید تلویحی در واقع نافی سیاست رسمی کشور در مسیر بازسازی روابط منطقه‌ای است و نوعی تقابل با دستگاه دیپلماسی تلقی می‌شود. محسن مقصودی، مجری برنامه‌ریزی نیز در انتقاد به عراقچی نوشت: «آیا عربستان بابت سخنان ترامپ علیه ایران، عذرخواهی کرد؟ آیا نباید ما هم اجازه داشته باشیم هر چه می‌خواهیم بگویم؟» اما پاسخ این پرسش روشن است. در میدان دیپلماسی، همه چیز حساب شده است. رفتاری که از یک کشور می‌خواهد با یک فرد نمی‌توان توجیه کرد و هزینه‌های ملی، شوخی‌بردار نیست.

در این میان علیرضا رنجبران، مشاور وزیر امور خارجه با یادآوری خاطرات تلخ گذشته، هشدار داد که «همه چیز یادآور سناریوی حمله به سفارت عربستان است. مبادا طراحی جدیدی در راه باشد.» این هشدار نه توهم‌طوئه بلکه برآمده از واقعیت‌های منطقه و تاریخ پرتنش روابط ایران با همسایگان جنوبی‌اش است. بارها دیده‌ایم که جرعه‌ای کوچک، چگونه می‌تواند توفانی سیاسی بسازد. علیرضا بیات، رئیس سازمان حج و زیارت ضمن ابراز تأسّف از توقف موقت صدور ویزا برای حدود ۱۰ هزار زائر تصریح کرد که «اعزام‌ها ادامه دارد» و از تعامل مثبت مقامات سعودی پس از سفر



هدا احمدی

گروه سیاسی

در روزهایی که دیپلماسی منطقه‌ای ایران تلاش می‌کند خود را از زیر خاکستر دشمنی‌های سابق بیرون بکشد و به مسیر تعامل با کشورهای همسایه بازگردد، اظهارات تند و جنجالی یک چهره تلویزیونی در سرزمین وحی، نه تنها موجی از نگرانی و واکنش در میان مسئولان را برانگیخت بلکه باعث توقف صدور ویزا برای بخشی از زائران ایرانی حج تمتع شد. غلامرضا قاسمیان با قاصبان و کاسبان قبیله» خواند، معادلات تازه‌ساز تهران-ریاض را به لرزه انداخت. پیامدهای این ویدئو به بازداشت وی، واکنش صریح مقامات دولتی، ملاحظات امنیتی و جدال دوباره میان جریان‌های میانه‌رو و تندرو در فضای سیاسی و رسانه‌ای ختم شد.

حال در آستانه اعزام ده‌ها هزار زائر ایرانی به حج تمتع، سخنان این روحانی در مدینه، جرعه بحران تازه‌ای را زد. غلامرضا قاسمیان، رئیس سابق کتابخانه مجلس و چهره‌ای شناخته‌شده در برنامه‌های مذهبی تلویزیون در ویدیویی ضبط‌شده با زبانی تند و توهین‌آمیز به مقامات مدینه و مکه را بسا تعابیری تند به «قمارخانه‌های آنتالیا» تشبیه کرد. این سخنان به‌سرعت توسط رسانه‌های سعودی رصد شد و پس از دستگیری وی، واکنش بعدی عربستان به گفته علیرضا رنجبران، مشاور وزیر امور خارجه توقف صدور ویزا برای بخشی از زائران ایرانی بود.

از نظر بسیاری از ناظران، این اتفاق بیش از آنکه یک اقدام فردی تلقی شود به‌مثابه زنگ خطر برای روابط نوساز میان ایران و عربستان است. جرعه‌ای که اگر به‌موقع خاموش نمی‌شد، می‌توانست همانند ماجرای حمله به سفارت عربستان در تهران در سال ۱۳۹۴ دیپلماسی منطقه‌ای ایران را به سال‌ها عقب بازگرداند.

واکنش‌ها به سرعت و در سطوح بالا شکل گرفتند. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه هیات دولت تأکید کرد که نظر یک فرد، ربطی به دولت ندارد و نباید اجازه داد، اظهارات نسنجیده مسیر رو به گسترش همکاری با کشورهای اسلامی را مختل کند.

این موضع رسمی در پیامی روشن تلاش کرد، صف دولت را از اقدامات فردی جدا کند. اما مساله فقط وجه دیپلماتیک ماجرا نبود. سخنان قاسمیان یادآور نقش او در تحریک افکار عمومی در ماجرای حمله به سفارتخانه‌های انگلیس و عربستان در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ است؛ مسائلی که هنوز هم هزینه‌هایش را ایران می‌پردازد.

ایجاد هزینه زیاد برای نظام

همانطور که حجت‌الاسلام علی سعیدی، رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قواد یادداشتی تحلیلی با لحنی منتقدانه نوشت: اظهارات قاسمیان برای نظام، هزینه‌های زیادی ایجاد کرد. اینکه افراد در موضوعات مختلف بدون توجه به پیامدهای امنیتی، سیاسی، اجتماعی اظهار نظر می‌کنند، پدیده عجیبی است که یا ناشی

گزارش روز

آغاز بررسی لایحه CFT

ادامه بررسی‌ها به جلسه آینده مجمع تشخیص مصلحت نظام موکول شد

در نشست روز گذشته، هفتم خرداد ۱۴۰۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست صادق آملی‌لاریجانی و با حضور رؤسای قوای مقننه و قضائیه، اعضای مجمع، برخی از فقهای شورای نگهبان، سرپرست وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاون وزارت امور خارجه و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دوازدهم تشکیل جلسه داد.

در این نشست، بررسی لایحه پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) در دستور کار قرار گرفت. ابتدا گزارش کمیسیون مشترک مجمع درباره این لایحه ارائه شد و پس از آن نماینده شورای نگهبان، ایرادات این شورا نسبت به کنوانسیون را مطرح کرد. با توجه به گستردگی مباحث و اهمیت موضوع، ادامه بررسی به جلسه بعدی مجمع موکول شد. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که دو هفته پیش در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اکثریت آرا با الحاق مشروط جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با جرائم



تصویب نهایی این لایحه پس از حدود چهار ماه بررسی فشرده در کمیسیون‌های تخصصی، برگزاری پنج جلسه در کمیسیون مشترک و سه جلسه در شورای مجمع به نتیجه رسید و گامی مهم در جهت هم‌سویی با استانداردهای بین‌المللی در حوزه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته تلقی می‌شود. با آغاز بررسی CFT اکنون چشم‌ها به جلسه آینده مجمع دوخته شده تا مشخص شود، سرنوشت این لایحه، که نقشی کلیدی در تعاملات مالی و بین‌المللی ایران دارد، چگونه رقم خواهد خورد.

با غنی‌سازی شوخی نکنید!

سیدعباس عراقچی با انتقاد از موضع اروپا پذیرش غنی‌سازی صفر توسط ایران را مردود خواند

گروه بین‌الملل: سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در حاشیه سفر رئیس‌جمهور پزشکیان به عمان در مورد گفت‌وگو با مقامات عمانی در خصوص مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا اعلام کرد که طبیعی است، مشورت‌ها و تبادل نظرهایی صورت می‌گیرد ولی اصل این سفر به خاطر مذاکرات نیست. وی در مورد برگزاری ششمین دور از مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا گفت که احتمالاً در چند روز آینده، تاریخ دور جدید مذاکرات ایران و آمریکا مشخص می‌شود. وزیر رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین با مثبت ارزیابی کردن نتایج سفر رئیس‌جمهور به عمان گفت که روابط ما با عمان در مسیر بسیار خوبی قرار دارد، احترام متقابل در حد اعلامی خود است و منافع متقابل تنها ملاک همکاری ماست. این دیپلمات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران خاطرنشان کرد که ایران و عمان هر دو با حسن‌نیت برای پیشبرد منافع دو کشور با یکدیگر همکاری می‌کنند.

در مورد غنی‌سازی با هیچ کسی شوخی نداریم

عراقچی در پاسخ به سوالی در ارتباط با توثیت سه‌شنبه شب خود در پاسخ به یک مقام انگلیسی گفت: این توثیت در پاسخ به یک مقام انگلیسی بود که سخن از غنی‌سازی صفر زده بود و من

در آنجا به صراحت گفتم که ما رایزنی‌های خود را با سه کشور اروپایی در این مدت ادامه دادیم ولی اگر موضع آنها غنی‌سازی صفر است، دیگر هیچ صحبتی با آنها در مورد هسته‌ای نداریم. به گزارش ایسنا، وی گفت که آنها باید تکلیف خودشان را مشخص کنند و ما در مورد موضوع غنی‌سازی هیچ شوخی با هیچ‌کسی نداریم. این در حالی است که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز سه‌شنبه در مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس در واکنش به اظهارنظر پیتز ماندلسون، سفیر انگلیس در آمریکا در مورد فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نوشت: «ایران با حسن‌نیت به تعامل چندجانبه با بریتانیا و سایر اعضای اروپایی باقی‌مانده در برجام ادامه داده حتی در شرایطی که ایالات متحده همچنان تمایلی به دخیل کردن آن‌ها در روند مذاکرات جاری نشان نمی‌دهد». وی افزود: اگر موضع بریتانیا غنی‌سازی صفر در ایران باشد(که نقض صریح معاهده عدم اشاعه و نیز تعهدات بریتانیا به‌عنوان یکی از اعضای باقی‌مانده در برجام به شمار می‌رود) در این صورت دیگر موضوعی بین ما برای گفت‌وگو درباره پرونده هسته‌ای باقی نمی‌ماند. پیش از این پیتز ماندلسون، سفیر انگلیس در آمریکا ضمن ابراز حمایت از اظهارات مقامات آمریکایی در مورد متوقف‌سازی برنامه

غنی‌سازی اورانیوم در ایران، گفته بود که ایران باید از فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم دست بردارد.

گروسی و تکرار یک درخواست

همزمان با این مواضع، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (چهارشنبه) در جمع خبرنگاران در وین در پاسخ به سوالی درباره تفاوت‌ها میان موضع آمریکا و ایران بر سر موضوع غنی‌سازی اورانیوم در مذاکرات عمان، گفت که نزدیک کردن این دو دیدگاه به هم غیرممکن نیست. به گزارش ایسنا، آسوشیتدپرس در این باره گزارش داد که گروسی در ادامه گفته است که بازرسی‌های سختگیرانه آژانس باید بخشی از هرگونه توافق میان ایران و آمریکا باشد. گروسی درباره پیشرفت در مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا گفت که هنوز نتیجه مشخص نشده است اما در نهایت ادامه مذاکرات را نشانه مثبتی

آمریکا

فاصله‌گیری امنیتی از آمریکا

تصویب صندوق ۱۵۰ میلیارد یورویی توسط کشورهای اروپایی در حوزه دفاعی چه پیامی برای ناتو و واشنگتن دارد؟

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

از آغاز به روی کار آمدن ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری‌اش، مدام در حال شنیدن این موضوع هستیم که او همانند دور اول ریاست جمهوری به دنبال آن است که بتواند، اعضای ناتو را از حیث مالی زیر فشار قرار دهد و آنها را ملزم کند تا به هر صورت که شده، مسئولیت بیشتری را قبول کنند. در این راستا جنگ اوکراین هم مزید بر علت شده است؛ چراکه ترامپ و تیم امنیتی - سیاسی او در کاخ سفید به دنبال آن هستند تا به هر ترتیب که شده با روسیه در مورد ختم جنگ اوکراین وارد مذاکره شوند و همین موضوع به خصوص پس از تماس تلفنی اخیر پوتین و ترامپ موجب نگرانی کشورهای اروپایی و اعضای ناتو شده است. به باور بسیاری از ناظران بین‌المللی و تحلیلگران حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل، ترامپ به دنبال آن بود که خیلی زود به توافق با روسیه با محوریت اوکراین برسد و حتی این پرونده را به عنوان یک موضوع مهم در رقابت‌های انتخاباتی خود در سال ۲۰۲۴ مطرح کرد اما با ورود به کاخ سفید و قرار گرفتن در پشت میز ریاست جمهوری به این جمع‌بندی رسید که پیچیدگی‌های پرونده اوکراین و اساساً رسیدن به یک توافق با کرملین، آنگونه که فکر می‌کرد، ساده نیست.

نوسان ترامپ، نگرانی اروپا

در این راستا باید توجه شود که حرکات و رفتار سیاسی ترامپ و حتی مواضع او در قبال روسیه با محوریت جنگ اوکراین به هیچ وجه ثابت نبوده و نیست و ما شاهد یک نوسان کاملاً مشهود هستیم. او یک روز به صورت علنی می‌گوید که با پوتین به جمع‌بندی خوبی رسیده‌ام و فردای همان روز یک‌باره کرملین مواضعی خلاف سخنان ترامپ اتخاذ می‌کند و به یک دفعه دیده می‌شود که رئیس‌جمهور ایالات متحده، تحریم علیه مسکو را در دستور کار قرار داده است! این حرکات سینوسی اگرچه خصلت ترامپ بوده و خواهد بود اما بدون شک اتحادیه اروپا در این شرایط نمی‌تواند به راحتی از کنار دوگانه‌سازی‌های ترامپ و مواضع غیرشفاف و یک‌باره او گذر کند.

واقعیت غیر قابل کتمان این است که اروپایی‌ها به شدت از رفتار ترامپ در قبال روسیه به خصوص پرونده اوکراین نگران هستند و حالا این نگرانی به جایی رسیده که دولت‌های حاکم بر قاره سبز در حال اتخاذ آرایش تدافعی - تهاجمی هستند که ریشه آن را تهدید روسیه می‌پندارند. بر همین اساس شورای اتحادیه اروپا اخیراً با



اروپایی باید نقش مستقل‌تری در مسائل امنیتی ایفا کند. دونالد ترامپ نیز به صراحت هشدار داده که اگر کشورهای اروپایی بودجه دفاعی خود را افزایش ندهند، آمریکا دیگر از برخی اعضای ناتو در برابر تهدیدهای ادعایی روسیه حمایت نخواهد کرد.

خداحافظی با ناتو؟

سوال مهمی که در این راستا مطرح می‌شود این است که آیا تصویب چنین صندوقی آن هم با رقم ۱۵۰ میلیارد یورو به معنای فاصله‌گیری کشورهای اروپایی از ناتو و آمریکاست یا خیر؟ برخی‌ها اعتقاد دارند که تصویب این صندوق در کنار دیگر ابتکارهای نظامی و دفاعی در اروپا نشانه‌ای از تلاش اتحادیه اروپا برای ایفای نقش مستقل‌تر در عرصه امنیتی و نظامی است. هرچند مقامات اروپایی بر تکمیل ماموریت ناتو تأکید دارند اما روندهای میدانی حاکی از افزایش بی‌اعتمادی به واشنگتن و تأکید بر خوداتکالی است.

در واقع تصویب صندوق دفاعی اروپا را می‌توان نه فقط یک تصمیم مالی بلکه یک موضع‌گیری راهبردی دانست. اتحادیه اروپا اکنون بیش از هر زمان دیگری خود را ناگزیر می‌بیند که برای امنیت خویش به منابع، ظرفیت‌ها و ابتکارات متمرکز در قاره اروپا تکیه کند و بدون شک می‌تواند، پیامی به واشنگتن باشد اما بدون شک اختلافاتی هم میان کشورهای اروپایی در این زمینه وجود دارد؛ چراکه این صندوق می‌تواند به اقتصاد کشورهای اروپایی فشار عمده وارد کند و دولت‌ها را زیر فشار احزاب راست‌گرا و مردم قرار دهد.



دانست. گروسی اظهار کرد که معتقد است برای رسیدن به توافق میان آمریکا و ایران حتی با وجود اختلاف‌نظرها درباره غنی‌سازی، همیشه راهی وجود دارد. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین حضور ماسیمو آپارو، یکی از معاونان خود در ایران را تأیید کرد.

شرمن: برنامه هسته‌ای ایران را نمی‌توان نابود کرد

این در حالی است که وندی شرمن، مذاکره‌کننده ارشد پیشین آمریکا در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران در گفت‌وگویی با شبکه آمریکایی «نیوزنیشن» گفته است که ایران حتی در صورت حمله به تأسیسات فعلی نیز برنامه هسته‌ای خود را به صورت پنهانی ادامه می‌دهد و آن‌ها این کار را به شکل مخفیانه و زیرزمینی انجام خواهند داد حتی اگر ما تلاش کنیم مراکز فعلی را بمباران کنیم؛ در یک سال، شاید سه سال، آن‌ها مجدداً این مسیر را طی خواهند کرد.

خاورمیانه

انتقام نتانیاهو از اسلو

چرا نخست‌وزیر اسرائیل ملاقات با وزیر خارجه نروژ را لغو کرد؟

اسپن بارتاید، وزیر خارجه نروژ (سه‌شنبه) برای حضور در کنفرانسی درباره مبارزه با یهودستیزی به اسرائیل سفر کرد اما این سفر جنجال شدیدی را ایجاد کرد؛ چراکه به طور گسترده‌ای به عنوان یکی از بزرگ‌ترین منتقدان اسرائیل در اروپا محسوب می‌شود که برای اولین بار از زمان آغاز جنگ غزه به اسرائیل سفر کرده است. وزیر خارجه نروژ بارها عملکرد اسرائیل در نوار غزه را محکوم کرده و اسرائیل را به ارتکاب جنایات جنگی و ضد بشری متهم کرده و آشکارا به مخالفت نروژ با فروش اسلحه به اسرائیل پرداخته است.

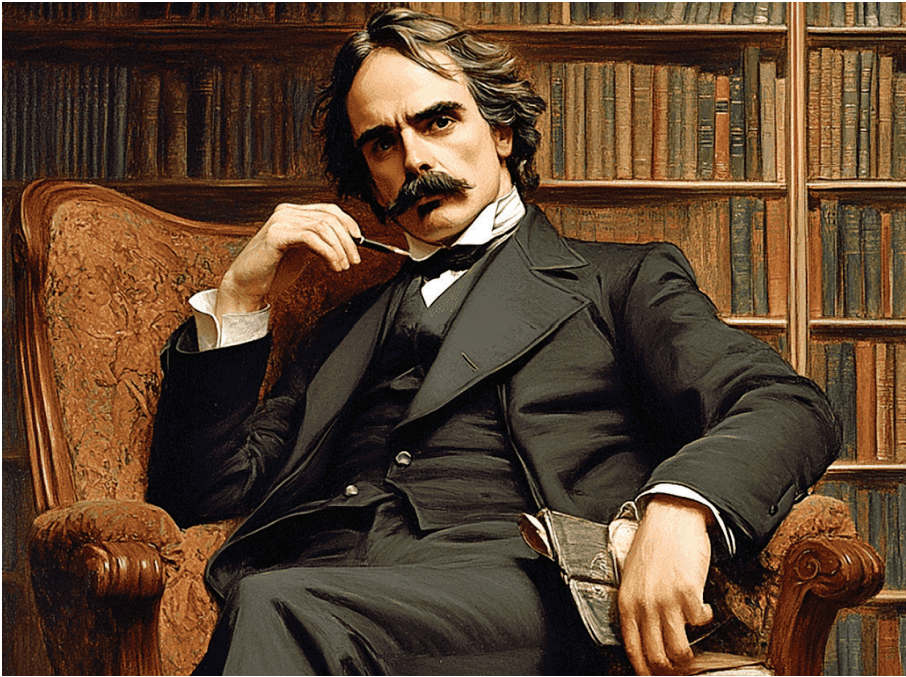
با وجود دعوت از وزیر خارجه نروژ برای حضور در این کنفرانس به دلیل عضویت این کشور در ائتلاف بین‌المللی یادبود هولوکاست، برخی مسئولان اسرائیل از مخالفت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و گدعون ساعر، وزیر خارجه اسرائیل با درخواست‌های وزیر خارجه نروژ برای دیدار با آنها خبر دادند. اسکای نیوز عربی در این خصوص نوشته که هیچ تاریخی برای انجام دیدار با نتانیاهو یا ساعر با وزیر خارجه نروژ تعیین نشده است. برخی مسئولان اسرائیل نیز از دعوت وزیر خارجه نروژ انتقاد و آن را اشتباه دیپلماتیک توصیف کردند و برخی دیگر از آنها اعلام کردند که دیوانگی است اگر اجازه دهیم این مرد که از ما متنفر است به اینجا (اسرائیل) بیاید. وزیر خارجه نروژ پیش از این گفته بود که قصد دارد از این سفر برای انتقال سه پیام اصلی از جمله برقراری آتش‌بس فوری در غزه، افزایش کمک‌های فوری برای فلسطینی‌ها و حمایت از راه‌حل دو دولتی استفاده کند.



ویرتین: تازه‌های کتاب

غریب و سرکش

نگاهی به رمان **خانهٔ هفت شیروانی** ناتانیل هائورن



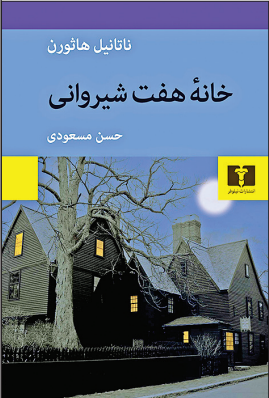
طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

در میانهٔ خیابانی فرعی در یکی از شهرهای نیوانگلند، خانه‌ای ایستاده کهنه با هفت شیروانی تیز و دودکشی عظیم در مرکز. این خانه، همان‌طور که ناتانیل هائورن تصویر می‌کند، نه فقط یک بنای قدیمی بلکه میراثی است از گناه، انتقام، عدالت تاریخی و اشباحی که در جان خانواده‌ای ریشه‌دار لانه کرده‌اند. «خانهٔ هفت شیروانی» رمانی است که خواننده را به دل قرن هفدهم و نوزدهم آمریکا می‌برد و با گذشته‌ای آمیخته به سحر و نفرین و اکنونی شکننده، او را درگیر می‌کند. یکی از شخصیت‌های اصلی رمان، خود خانهٔ هفت شیروانی است. خانه‌ای ساخته‌شده بر زمینی غصب‌شده از متیو مال، مردی که به اتهام جادوگری اعدام شد. مال پیش از مرگش خانوادهٔ پینچن را نفرین می‌کند؛ نفرینی که سایه‌اش بر نسل‌های بعدی سنگینی می‌کند. سال‌ها بعد، قهرمانان ما، از جمله هیزیا پینچن پیرزنی شریف اما فقیر و برادرش کلیفورد که ۳۰ سال از عمرش را به اشتباه در زندان گذرانده در این خانه زندگی می‌کنند. داستان زمانی جان می‌گیرد که دختری جوان به نام فیبی، از بستگان دور، وارد خانه می‌شود و با شور زندگی‌اش، فضا را دگرگون می‌سازد. هائورن در این رمان، هم‌چون دیگر آثارش، از پیشینهٔ تاریخی آمریکا به‌ویژه محاکمه‌های جادوگری در شهر سیلم الهام گرفته است. اجداد خود او نیز از جمله قضاتی بودند که در محاکمهٔ متهمان به جادوگری نقش داشتند؛ امری که بار روانی آن در آثارش پیداست. در «خانهٔ هفت شیروانی»، ایدهٔ «گناه ارثی» به گونه‌ای استعاری تجلی می‌یابد؛ اشتباهات نسل گذشته چگونه می‌تواند زندگی نسل‌های بعد را مخدوش کند؟

شخصیت قاضی جافری پینچن، با چهره‌ای آراسته و رفتاری محترمانه، نمادی از ریاکاری است. او نمایندهٔ همان قدرت فاسدی است که هم در گذشته ظلم کرده و هم اکنون، در قامت قاضی، ادامه‌دهندهٔ همان خطای تاریخی است. از سوی دیگر، هولگریو، مستاجر اتاق زیرشیروانی که به‌تدریج دلبستهٔ فیبی می‌شود، از نسل مال‌هاست اما نه با کینه که با نگاهی اصلاح‌گر وارد میدان می‌شود. با مرگ ناگهانی قاضی، فرار دو خواهر و برادر، بازگشت‌شان و کشف بی‌گاهی کلیفورد، گره‌های داستان یکی‌یکی گشوده می‌شود. سند گمشدهٔ زمینی که روزی مال خانواده بوده، در پشت پرترهٔ کلنل پینچن پیدا می‌شود اما دیگر ارزشی ندارد؛ زمین سال‌هاست که به‌دست دیگران آباد شده است. در پایان، خانوادهٔ کوچک ما از خانهٔ قدیمی کوچ می‌کند؛ خانه‌ای که دیگر برایشان «مکان زندگی» نیست بلکه نمادی است از گذشته‌ای که باید پشت سر گذاشته شود. درخشش ویژهٔ رمان در پایان‌بندی آن است: گرچه رمان با تاریکی و نفرین آغاز می‌شود، اما با روشنائی امید و رهایی پایان می‌گیرد. این تحول، نه‌فقط در فضای بیرونی خانه بلکه در روح و روان شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد. ترجمهٔ حسن مسعودی از این اثر کلاسیک، با تشری روان و قابل‌فهم، به خوانندهٔ فارسی‌زبان این امکان را می‌دهد تا با جهان فکری هائورن آشنا شود. استفادهٔ درست از واژگان، حفظ لحن ادبی نویسنده و انتقال فضای رازآلود رمان، از جمله ویژگی‌های قابل‌تحصین این ترجمه است. ناشر،

انتشارات نیلوفر نیز با چاپی تمیز و ویراسته، اثر را در اختیار خوانندگان قرار داده است. «خانهٔ هفت شیروانی» در دومین هفتهٔ آوریل ۱۸۵۱ منتشر شد. این رمان پس از موفقیت بی‌نظیر «داغ‌تنگ»، دومین اثر مهم ناتانیل هائورن به شمار می‌رود و در همان ماه نخست دو چاپ از آن به فروش رفت. چاپ سوم در ماه می و چاپ چهارم در سپتامبر همان سال، مجموعاً فروش ۶۷۱۰ نسخه را در سال اول رقم زد؛ رقمی که اندکی بیشتر از «داغ‌تنگ» بود. هائورن از هر نسخه ۱۵ درصد دریافت می‌کرد؛ درآمدی که برای نویسنده‌ای که تا پیش از اِین دوره، گاه به سختی امرار معاش می‌کرد، موفقیتی مالی نیز به حساب می‌آمد. منتقدانی مانند ادوین پرسبی ویبل این کتاب را بزرگ‌ترین اثر هائورن خواندند. هنری وادزورت لانگفلو، شاعر شهر آن دوران، کتاب را «غریب و سرکش» توصیف کرد و این صفت، در حقیقت، جان‌مایهٔ بسیاری از نوشته‌های هائورن است؛ آثاری که از مسیرهای شناخته‌شده ادبیات عبور نمی‌کنند بلکه راه خود را در مه و خیال می‌سازند. فنی کمبل گزارش داد که «خانهٔ هفت شیروانی» در انگلستان همان تأثیری را بر جای گذاشت که جین ایِر. در مقابل، برخی منتقدان نیز بودند که چندان خوش‌نظری به کتاب نداشتند. یکی از آنان، نویسندهٔ هم‌دوره، کانرین ماریا سجویک، نوشت: «این کتاب نوعی بلاست! تأثیری دارد همانند گذر از بخش‌های بیمارستان!» طنز ناخی در این جمله نهفته است: آیا مواجهه با حافظهٔ تاریک گذشته و عمق وجدان انسان، چیزی جز سفری دیوانه‌وار است؟ اما شاید زیبایی‌ترین و ژرف‌ترین ستایش از این اثر را هرمان ملویل، نویسندهٔ «موبی‌دیک» در نامه‌ای ابراز کرده باشد. او نوشت: «گونه‌ای خاص از تراژدی انسانی هست که، به باور ما، هرگز به قدرتمندی آن‌چه هائورن تجسم بخشیده، مجسم نشده است. تراژدی اندیشهٔ انسانی‌ست، در حالت خالص، بی‌طرف و ژرف آن.» امروز که بیش از یک قرن‌ویم از نگارش این رمان گذشته، «خانهٔ هفت شیروانی» هم‌چنان خواندنی و اندیشیدنی است و لایه‌های پنهان آن، چون خانه‌ای قدیمی که در آن هنوز صدای گذشته به گوش می‌رسد، جاذبه‌ای سحرانگیز دارد. هائورن، در پایان، نه صرفاً داستانی از یک خانه و نفرین را روایت می‌کند بلکه ما را به خودمان بازمی‌گرداند؛ به لحظه‌هایی که در سکوت به تبار گناهان‌مان می‌اندیشیم و در خلوت دل، به امید رستگاری می‌نگریم. «خانهٔ هفت شیروانی»، همان خانهٔ ماست، اگر دل داشته باشیم برای شنیدن صدای سکوتش.



خانهٔ هفت شیروانی

ناتانیل هائورن
 ترجمهٔ حسن مسعودی
 انتشارات نیلوفر
 ۳۵۰ صفحه
 ۳۴۵ هزار تومان

نویسندگان علیه صهیونیسم

۳۸۰ نویسنده و سازمان جنگ غزه را نسل‌کشی خواندند

سرانجام در امان خواهید بود. در نامه آمده است که «ابو ند» در این شعر «برای مردم غزه پناهگاهی کیهانی تصور کرده بود؛ چیزی کاملاً متفاوت با خطر مرگباری که اکنون با آن روبه‌رو هستند.» در ادامه آمده است که فلسطینی‌ها «قربانیان انتزاعی یک جنگ انتزاعی نیستند. بسیاری اوقات، از کلمات برای توجیه‌ناپذیرفتنی‌ها، انکار انکارناپذیرها و دفاع از غیرقابل دفاع‌ها استفاده شده است. بسیاری اوقات نیز کلمات درست، همان‌هایی که اهمیت داشتند، همراه با کسانی که ممکن بود آن‌ها را بنویسند، از بین رفته‌اند.» در این نامه تأکید شده که «اصطلاح نسل‌کشی شعار نیست» بلکه «دارای مسئولیت‌های حقوقی، سیاسی و اخلاقی است.» در ادامهٔ نامه به بیانیه اخیر دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل اشاره می‌کند که می‌گوید: «در حالی که کشورها درباره واژگان بحث می‌کنند– که آیا نسل‌کشی است یا نه؟– اسرائیل به ویرانی بی‌امان حیات در غزه ادامه می‌دهد، از طریق حملات زمینی، هوایی و دریایی، بازماندگان را بی‌پناه و آواره و قتل‌عام می‌کند، آن هم بدون هیچ‌گونه پاسخگویی.»

در ادامهٔ نامهٔ نویسندگان آمده است: «ما امضاکنندگان این نامه، حاضر نیستیم بخشی از تماشاگرانی باشیم که بی‌صدا تأیید می‌کنند. این فقط مربوط به انسانیت مشترک ما و تمام حقوق بشر نیست؛ این دربارهٔ شایستگی اخلاقی ما به‌عنوان نویسندگان دوران خودمان است؛ شایستگی‌ای که هر روزی که از حرف زدن و محکوم کردن این فاجعه سر باز می‌زنیم، کم‌رنگ‌تر می‌شود.» در پایان نامه آمده است: «این نسل‌کشی همهٔ ما را درگیر می‌کند. ما شاهد جنایات نسل‌کشی هستیم و با سکوت خود آن‌ها را تأیید نخواهیم کرد.»

از دیگر امضاکنندگان این نامه که مخالفت خود را با یهودی‌ستیزی هم اعلام کرده، می‌توان به سازمان «پِن اسکاتلند»، جاناتان کو، سوزی اورباخ، کوین بری، بنجامین مایرز، اندرو اوهیگن، سارا برنستین، فیلیپ مارسدن، فیامتا روکو، لوسی جونز، مونیک افی، ایندیا نایت، نیک لرد، نینا استیبی، شان هویت، شسائولو گو، کریس پاور، جو دانتورن و مارینا وارنر اشاره کرد.

برخی از امضاکنندگان این بیانیه پیش از این نیز با انتشار مطالبی در

۳۸۰ نویسنده و سازمان از جمله «ژدی اسمیت»، «ایان مک‌ایوان»، «راسل‌تی دیویس»، «حنیف قریشی»، «فرانک کاترِل-بویس» و «جرج مانیو» با انتشار نامه‌ای، جنگ غزه را «نسل‌کشی» خواندند و خواستار آتش‌بس و توزیع بدون مانع کمک‌های بشردوستانه شدند. «گاردین» نوشت در این نامه که «ویلیام دالریمپل» (William Dal-rymple)، «ژالت وینترسون»، «برایان اینسو»، «کیت ماس»، «اروین ولش» و «الیف شافاک» نیز آن را امضا کرده‌اند، آمده است: «استفاده از واژه‌های «نسل‌کشی» یا «اقدامات نسل‌کشانه» برای توصیف آنچه در غزه رخ می‌دهد دیگر موضوع بحث میان کارشناسان حقوق بین‌الملل یا سازمان‌های حقوق بشری نیست.» در این نامه آمده است که سازمان‌هایی چون عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، به‌وضوح اقدامات نسل‌کشانه‌ای را که توسط نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) انجام می‌شود، شناسایی کرده‌اند. هم‌چنین اظهارات علنی وزرای اسرائیلی «بزالل اسموتریچ» (Bezael Smotrich) و «ایتامار بن‌گور» (Itamar Ben-Gvir)، «نیت‌های نسل‌کشانه را آشکارا بیان می‌کنند.»

نویسندگان خواستار توزیع فوری و بدون مانع غذا و کمک‌های پزشکی در غزه از سوی سازمان ملل و آتش‌سیسی هستند که «امنیت و عدالت را برای همه فلسطینی‌ها، آزادی همه گروهان‌های اسرائیلی و آزادی هزاران زندانی فلسطینی که به‌طور خودسرانه در زندان‌های اسرائیل نگهداری می‌شوند را تضمین کند». آن‌ها می‌گویند اگر دولت اسرائیل به درخواست‌ها برای آتش‌بس فوری گوش ندهد باید تحریم‌هایی علیه آن اعمال شود. نویسندگانی از جمله «هوراشیو کِلر» (Horatio Clare)، «کاپکا کاسابووا» (Kapka Kassabova) و «مونیک رافی» این نامه را سازمان‌دهی کرده‌اند که تاکنون ۳۸۰ امضا جمع‌آوری کرده است. نامه با شعری با عنوان «دیروز ستاره‌ای گفت» از شاعر فلسطینی «هیه ابو ند» که در اکتبر ۲۰۲۳ بر اثر حمله هوایی اسرائیل جان باخت، آغاز می‌شود:

و اگر روزی، ای نور / همه کهکشان‌ها / از کل جهان / دیگر جایی برای ما نداشتند / تو خواهی گفت: وارد قلب من شوید / آنجا

نقد: سریال خارجی

داستانی با چند روایت

نگاهی به مینی‌سریال خانواده خوب آمریکایی

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

گاهی به تصویر کشیدن داستان‌های واقعی باعث نوعی درگیری ذهن و احساسی می‌شود که مخاطب را به دنبال خود می‌کشد. تعلیق‌های مختلف و زوایای متفاوت پرداخت به یک سوزه باعث جذابیت داستان می‌شود. مینی‌سریال «خانواده خوب آمریکایی» از آن دسته سریال ایی است که به نبرد نور و تاریکی می‌پردازد و روایت چند جانبه از یک داستان واقعی و پر چالش را به تصویر می‌کشد تا حدی که بیننده به قضاوت خود شک می‌کند.

این مینی‌سریال از مارس ۲۰۲۵ بر اساس یک پرونده واقعی در ۸ اپیزود منتشر شد و توانست ششمین سریال پربیننده و هشتمین برنامه پربیننده برای هفته منتهی به ۲۶ مارس شود. منتقدان نگاه‌های متفاوتی به این اثر داشتند و سریال به دلیل بازی‌های قوی بازیگرانش مورد تحسین قرار گرفت. خالق این سریال، کیتی رابینز است و ایموجن فیت رید، الن پومپنو، مارک دوپلا، سارایو بلو، دوله هیل، کریستینا هندریکس، کیم شا، جنی اوهارا در آن به ایفای نقش می‌پردازند. خانواده خوب آمریکایی» که در ژانر درام و روان‌شناختی ساخته شده درباره داستان حقیقی و بحث‌برانگیز ناتالیا گریس، یتیم اوکراینی است که با بیماری کوتوله‌گی دست و پنجه نرم می‌کند. داستان حول محور کریستین با بازی الن پومپنو و مایکل بارنت با بازی مارک دوپلاس می‌چرخد که ناتالیا را در سن ۷ سالگی (۲۰۱۰) به فرزندى می‌پذیرند اما با بروز رفتارهای نگران‌کننده ناتالیا، بارنت‌ها به هویت واقعی ناتالیا مشکوک می‌شوند که در نهایت این شک‌ها منجر به درگیری‌های دراماتیک و قانونی می‌شود. این سریال تامل‌برانگیز به مخاطب نشان می‌دهد هر داستانی را

نمی‌توان یک طرفه قضاوت کرد و باید هر دو طرف را در نظر گرفت و صحبت‌های هر دو طیف را شنید.

«خانواده خوب آمریکایی» یادآور مینی سریال روان‌شناختی و مهیج «سلب مسئولیت» به نویسندگی و کارگردانی آلفونسو کوارون است. کوارن هم با ساخت این سریال تاکید می‌کرد که برای هر قصه‌ای، چندین روایت وجود دارد و تنها به یک روایت نباید اکتفا کرد. از این رو مینی‌سریال فوق مثال بسیار بارزی



گزارش: سینمای ایران

سنگ اندازی از سوی دوست و دشمن

اکتای براهنی به عدم اکران پیرپسر با وجود دریافت پروانه نمایش اعتراض کرد

و باز گفته بودند بعد از فیلم بهمانی که آن نیز نشد. حالا هم که چند روزی از خرداد ماه گذشته اما کسی اصلا به روی مبارک خود نمی‌آورد. مگر می‌شود این صنعت اداره سینما این قدر فشل و بی‌در و پیکر شده باشد که شورای صنفی نمایش آن چندین هفته معطل ابلاغ جلسه بماند؟ کسی هم نیست که در فقدان وجود این شورا لاقل کار اکران خلق‌الله را راه بیندازد.

اکنای براهنی با انتقاد از اینکه مدیران سازمان سینمایی، اکران این فیلم را منوط به تصویب آیین‌نامه اکران و درجه‌بندی سنی می‌کنند از اینکه از پخش تیزر فیلم در سینماها جلوگیری به عمل آمده، ابراز ناراحتی کرد و افزود: آقایان ارشادی! شما که به این فیلم علامت +۱۸ هم الصاق کرده‌اید پس چرا حتی جلوی پخش تیزرهای تبلیغ پخش‌کننده را در سالن‌های سینما گرفتید؟ وقتی شما به فیلمی برچسب +۱۸ می‌دهید دیگر چرا در مقابل سوال خبرنگاران درباره اکران پیرپسر موضوع اکران ما را به بعد از تبیین آیین‌نامه ارزیابی سنی موکول می‌کنید؟ مگر قرار است در آیین‌نامه فرضی شما، فیلم ما را با +۵۰ سال اکران کنند؟ شما پروانه نمایش صادر کردید! و با کمک اعضای شورای پروانه نمایش، سانسور و یا اصلاحی هم که در کار نیست: پس اصل موضوع چیست؟ نکند که این پروانه نمایش نیز مثل خیلی چیزها شعاری و نمایشی است تا روزی بالاخره نسخه‌ای از فیلم از گوشه کنار نامعلومی بیرون بزند و عدوی سبب خیر مخالفان شود و اصلا دیگر حتی صورت مساله اکران را هم برای شما پاک کند و آن وقت خوشا به حال شما که مجوز پیرپسر را قهرمانانه و بی‌سانسور داده‌اید و از اکران آن هم خبری نیست. پس خلاص! چهار سال نگهداشتن یک فیلم در کشو و دور از محیط فرصت‌طلب مجازی، معجزه است. من هر روز نگران این مطلب هستم و شما هر هفته دست دست می‌کنید!

براهنی با انتقاد از بروکراسی و قوانین پیچیده حاکم بر سازمان سینمایی تاکید کرد: «این بروکراسی و قواعد کهنه واقعا یک شوخی زشت با کرامت بشریت است. بیش از ۲۰ سال که در محیط ارشاد رفت‌وآمد دارم و هر بار این بروکراسی پیچیده تکرار می‌شود و هر بار یکی جلوی ما می‌نشیند و با استانداردهای مهندسان هواپیمایی قطر و امارات از ما می‌خواهد درک کنیم و می‌گوید: راستی چرا نمی‌فهمید که اینجا ایران است؟ صبر کنید. و اگر بگویم چهار سال صبر کافی نیست، می‌گویند درهای خروج اضطراری قفل نیست و وقتی شما در حال خروج هستید، می‌گویند به آنها که قبل از شما پرت شده‌اند، بگویند راه برای گفت‌وگو باز است! برگردند تا دوباره پرت‌شان کنیم! و نهایتا اینکه گویند سنگ لعل شود در مقام صبر آری شود ولی به خون جگر شود.

بلا تکلیفی اکران فیلم «پیرپسر» با وجود صدور پروانه نمایش با واکنش اکتای براهنی، کارگردان فیلم مواجه شده که در یادداشتی سرگشاده به مدیران سینمایی هشدار داده هرچه زودتر و قبل از درز نسخه قاچاق، وضعیت اکران فیلم را مشخص کنند. این در حالی است که سازمان سینمایی اعلام کرده بود که این فیلم مشکلی برای اکران ندارد و بهار امسال روی پرده خواهد رفت.

اما چندی بعد همایون اسعدیان، دبیر شورای صنفی نمایش گفت که این فیلم با وجود دریافت پروانه نمایش همچنان نمی‌تواند اکران شود و توضیح داد: فیلم «پیر پسر» با وجود داشتن پروانه نمایش به دلیل بروز اختلاف میان دو پخش‌کننده، فعلا قراردادی در شورای صنفی نمایش ندارد.

همایون اسعدیان با اشاره به اختلاف میان دو پخش‌کننده این فیلم گفت: به‌رغم اینکه اعلام شده فیلم «پیرپسر» توسط دفتر پخش عامریان فیلم اکران می‌شود اما بین دو پخش‌کننده یک اختلاف (حقوقی) وجود دارد و به همین دلیل با وجود اینکه این فیلم با همان مدت زمان بیش از سه ساعتی خود پروانه نمایش دارد فعلا قراردادی در شورا برای آن ثبت نشده تا مساله پخش‌کننده برطرف شود.

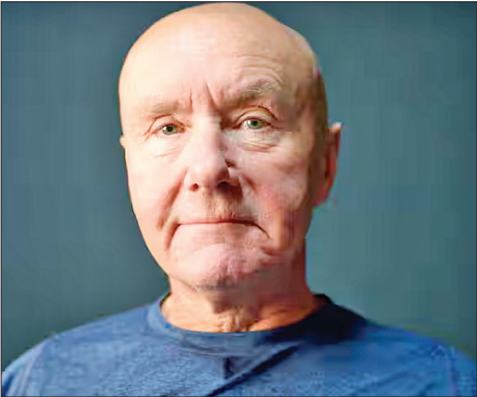
حالا کارگردان این فیلم که اکران آن را بلا تکلیف می‌داند بدون اینکه اشاره‌ای به اختلاف میان پخش‌کنندگان کند، یادداشت گلایه‌آمیزی نوشته و با انتقاد از اینکه دو ماه از صدور پروانه نمایش فیلم می‌گذرد اما هنوز خبری از اکران آن نیست، نوشته است: «دهن‌ها یخ کردند! فرصت‌ها سوختند! خسته کردید همه ما را! آقایان شوراهای مختلف ارشاد و صنفی نمایش و یا... چه می‌کنید با پیرپسر؟ پروانه نمایش فیلم دو ماه است که صادر شده؛ اما معلوم نیست چرا هر بار که نوبت به اکران می‌رسد؛ بهانه‌ای تازه نیز از راه دیگر می‌رسد... اکنون چندین هفته است، معطل تشکیل جلسه شورای صنفی هستیم. چرا؟»

او با انتقاد از اینکه اکران فیلم به دفعات به تعویق افتاده و حدود دو ماه است که این کار به تعویق می‌افتد، ادامه داد: «از همان نیمه شبی که نمایش فیلم پیرپسر در بخش تبعیدی خارج از مسابقه فجر شور و هیجان اعجاب‌انگیزی در بینندگان برانگیخت، لطف دوستان شورای پروانه نمایش نیز تاز ما شد و پروانه نمایش صادر شد اما بعد ما با انواع سنگ‌اندازی‌ها از سوی دوست و دشمن مواجه بوده‌ایم.

همه ما به امید اینکه بالاخره آن روز اکران برآید؛ سکوت کردیم؛ اما عملا از نوبت اکران عید به اکران دوم عید و بعد به اردیبهشت ماه حواله داده شدیم و باز از اردیبهشت به خرداد! بعد گفتند بعد از فیلم فلانی که نشد



ژانت وینترسون



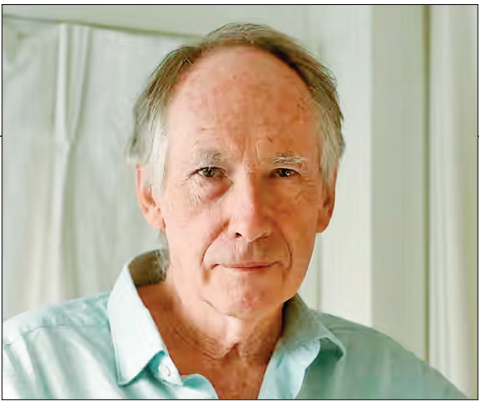
اروین ولش

گرسنگی و تشنگی خبر دادند. این برای اولین بار نیست که جمعی از نویسندگان در سطح جهان با مردم غزه همراه شده‌اند. هزاران نویسنده جهان، بیانیه‌ای در اعتراض به جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان را امضا کرده و متعهد شده‌اند که با کلیه موسسات فرهنگی، ناشران، جشنواره‌ها یا انتشاراتی که در نقض حقوق فلسطینی‌ها همدست هستند، همکاری نکنند. این نامه که با واکنش‌های متعددی رویه‌رو شده، هم‌دردی جامعه جهانی نویسندگان و صنعت نشر را با فجایعی که اسرائیلی‌ها در غزه رقم زدند، نشان می‌دهد فاجعه‌ای که در نامه از آن با عنوان «عمیق‌ترین بحران اخلاقی، سیاسی و فرهنگی قرن بیست‌ویکم» یاد شده است. پس از این موج، بسیاری از نویسندگان در سراسر جهان از هر فرصتی برای بیان اعتراضشان نسبت به فجایع رخ داده در غزه استفاده کرده‌اند. یکی از آخرین نمونه‌ها، اعتراض امی استوتیر، برگزیده جایزه پن آمریکاست که در اختتامیه این دوره از جایزه، خواستار توقف نسل‌کشی در غزه شد. همچنین در این مدت آثار متعددی از نویسندگان و شاعران جهان برای هم‌دردی با مردم غزه نوشته شده که ضمن اقبال عمومی با سانسور و تهدید رژیم صهیونیستی مواجه شده است. این دسته از آثار عمدتاً با تمرکز بر کودکان غزه و فضای فرهنگی این منطقه که قرن‌ها محل زندگی و تعامل ادیان مختلف بوده، تلاش کرده‌اند نسبت به فجایع رژیم صهیونیستی در نوار غزه بی‌تفاوت نباشند و صدای بی‌صدایان این جنگ نابرابر باشند.

ناتالیا از یک نوع اختلال روانی شدید که معمولا در بزرگسالان دیده می‌شود، رنج می‌برد. این مشاهدات ظن بیشتر نسبت به هویت واقعی ناتالیا و معرفی نادرست وی را تقویت کرد. بارنت‌ها از طریق قانونی این مساله را پیگیری کردند و در سال ۲۰۱۲ قاضی پس از بررسی دقیق، تاریخ تولد وی را از ۲۰۰۳ به ۱۹۸۹ تغییر داد. مایکل بارنت در قسمتی از این مستند با چشمان اشک‌آلود می‌گوید: «ناتالیا نمی‌گوید به راستی کیست و ما با یک شاید هنرمند زندگی می‌کنیم.» از این رو برای وی خانه‌ای اجاره می‌کنند و به این دلیل که او بچه نیست و بزرگسال است از شرش خلاص می‌شوند اما از ایزود پنجم به بعد تماشاگر با روایت دیگری از زندگی ناتالیا رویه‌رو می‌شود. در این روایت نشان داده می‌شود که او مورد ظلم بارنت‌ها قرار گرفته و همان دختر ۷ ساله بوده که از پرورشگاه به خانواده بارنت‌ها منتقل و در ۹ سالگی او را مجبور کرده‌اند که مجرد زندگی کند. تماشاگر مجموعه «خانواده خوب آمریکایی» بعد از دیدن نخستین ایزود بدون تعلل هیجان دارد که مابقی سریال را تماشا کند. کارگردان با تعلیق‌هایی که در داستان به کار می‌برد از همان ابتدا قلاب خود را برای درگیری مخاطب با قصه در سریال درست انتخاب کرده است.

با اینکه در برخی ایزودها ریتم خسته‌کننده و کند می‌شود اما به دلیل فیلمنامه بی‌نقص و استادانه رابینز، تماشاگر سریال را نصفه‌ونیمه رها نمی‌کند. با پیشرفت سریال، داستان عمیق‌تر شده و دیدگاه‌هایی با جزئیات بیشتر ارائه می‌شود تا جایی که گاهی این جزئیات، تماشاگر را درگیر و حتی گیج و گنگ می‌کند. این داستان تلخ به جنبه‌های تاریک سرپرستی گرفتن، والد بودن، رسانه محور بودن و تصمیمات انسانی می‌پردازد و این سوال را مطرح می‌کند که آیا به فرزند گرفتن فرزندان معلول، کار درستی است یا نه.

موسیقی متن در خدمت داستان پیش می‌رود و طراحی صحنه نیز بسیار ساده است. سطح بازیگری در این مینی‌سریال کیفیت بالایی دارد. بازی ایموجن فیت رید در نقش ناتالیا که نگاهی شیطن‌آمیز همراه با معصومیت و بی‌گناهی در خود دارد و شخصیت‌اش چند لایه است، بسیار درست از آب درآمده و در مقابل مخاطب با بازی عالی الن پومپنو نیز رویه‌روست. پس از اتمام ۸ ایزود، سوال اساسی که بیننده با آن درگیر می‌شود، این است که آیا ناتالیا واقعا صادق بوده است؟ اگر مضامین خانواده، هویت و مرزهای مبهم میان عشق و کنترل برای شما مهم است، این مینی‌سریال را حتما تماشا کنید.



ایان مگیابان



زیدی اسمیت

صفحات شخصی خود در فضای مجازی، نسبت به حوادث غزه واکنش نشان داده بودند که از این جمله می‌توان به حنیف قریشی، نویسنده و فیلم‌ساز اشاره کرد. افزایش حملات رژیم صهیونیستی به غزه و هدف قرار دادن غیرنظامیان به‌ویژه کودکان از یک سو، ممنوعیت ورود کمک‌های انسان‌دوستانه به این مناطق از سوی دیگر در روزهای گذشته، انتقادات شدید سازمان‌های بین‌المللی را به همراه داشته است. طبق آمار منتشر شده از آغاز جنگ وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه غزه حدود ۱۸ هزار کودک فلسطینی جان خود را از دست داده و شهید شده‌اند؛ یعنی به طور متوسط هر روز ۳۰ کودک در حملات اشغال‌گران به غزه جان خود را از دست داده‌اند. از این تعداد، حدود ۱۶ هزار کودک شناسایی شده و پیکر کودکان دیگر همچنان زیر آوار و مفقود است. از سوی دیگر، با موج جدید حملات رژیم صهیونیستی در قالب ممنوعیت ارسال کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه، کارشناسان نسبت به کشته شدن غیرنظامیان از جمله کودکان هشدار داده‌اند. در همین رابطه برنامه جهانی غذا وابسته به سازمان ملل متحد روز شنبه اعلام کرد که بیش از ۷۰ هزار نفر از کودکان نوار غزه با سطوح بسیار شدید سوء تغذیه مواجه هستند. همچنین منابع بهداشتی غزه و سازمان‌های بین‌المللی با بیان این‌که ۷۰ هزار کودک در این باریکه در نتیجه محاصره ظالمانه‌ای که اسرائیل تحمیل کرده، از سوء تغذیه شدید رنج می‌برند، از مرگ تلخ یک کودک دیگر بر اثر

برای «خانواده خوب آمریکایی» است. باید اذعان کرد که این مینی‌سریال برای کسانی که داستان ناتالیا گریس را نمی‌شناسند، دیدنی و با ارزش است. مانیفیست اصلی اثر، هویت و فریب است. مخاطب بعد از تماشای چند قسمت ناگهان دیدگاهش نسبت به خانواده بارنت‌ها تغییر می‌کند چراکه ناتالیا را در این مساله بی‌گناه می‌بیند.

تغییر نگاه و زاویه دید از دیگر موتیف‌های اصلی این فیلم است. خانواده بارنت به دلیل هنجارشکنی‌های ناتالیا پی می‌برند که هویت او دستکاری شده و او یک دختر بالغ ۲۲ ساله است. در مستندی که دو سال قبل ساخته شده در آن به وضوح شک و تردید نسبت به سن واقعی دختر بچه نشان داده می‌شود. در این مستند نشان داده می‌شود که او قاعده‌گی‌اش را مدت‌ها از بارنت‌ها پنهان کرده است. پزشکان هم تایید کرده بودند که او دندان‌های یک بزرگسال را دارد و هیچ نشانه‌ای از رشد که در کودکان کوتوله دیده می‌شود، در او وجود ندارد. علاوه بر این





سال هشتم شماره ۱۹۸۱
پنج‌شنبه ۸ خرداد ۱۴۰۴

دیدگاه: یادداشت روز

تنگنای بزرگ

روزهای حساس ویتنام چه زمانی از راه رسید؟

مهتا معرفت

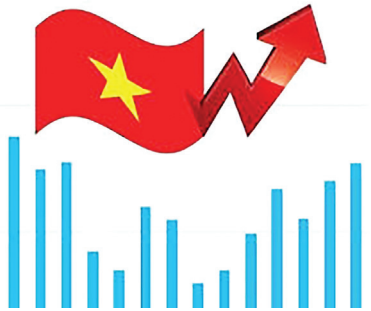
مترجم

ویتنام در سال‌های اخیر با تکیه بر موقعیت استراتژیک خود و نیروی کار ارزان به یکی از قطب‌های تولید و صادرات در آسیا تبدیل شده است. با این حال افزایش دستمزدها و فشارهای خارجی، مانند تهدید تعرفه‌های سنگین از سوی آمریکا، این کشور را در موقعیتی حساس قرار داده است. هانوی برای حفظ روابط تجاری با واشنگتن، پیشنهادهایی مانند خرید هواپما از بوئینگ و همکاری با اسپیس‌ایکس را مطرح کرده اما این اقدامات ممکن است تنها بخشی از تنش‌ها را کاهش دهد. تعرفه‌های احتمالی، حتی اگر کمتر از ۴۶ درصد باشند، می‌توانند زنجیره‌های تأمین جهانی را مختل کنند و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به سمت رقبای منطقه‌ای مانند هند یا اندونزی سوق دهند، جایی که هزینه‌های تولید همچنان پایین‌تر است.

از سوی دیگر، وابستگی ویتنام به سرمایه‌گذاری و تجارت با چین، که بزرگ‌ترین شریک تجاری‌اش محسوب می‌شود، معادله را پیچیده‌تر می‌کند. هرگونه فشار آمریکا برای محدود کردن نفوذ چین در ویتنام از جمله کنار گذاشتن شرکت‌های چینی از پروژه‌های زیرساختی یا زنجیره‌های تولید می‌تواند روابط هانوی با پکن را به مخاطره بیندازد. این موضوع برای ویتنامی که به دقت تلاش کرده، تعادل ژئوپلیتیکی بین دو ابرقدرت را حفظ کند، ریسک بزرگی است. چین نه‌تنها منبع اصلی مواد خام و سرمایه‌گذاری است بلکه ادعاهای ارضی‌اش در دریای جنوبی چین مستقیماً منافع ویتنام را تهدید می‌کند. در این میان، هرگونه حرکت نسنجیده می‌تواند به تنش‌های دیپلماتیک یا حتی درگیری‌های منطقه‌ای دامن بزند. هم‌زمان، چالش‌های داخلی نیز فشار را بر ویتنام افزایش می‌دهند. پیری جمعیت، که نتیجه نرخ زادوولد پایین و افزایش امید به زندگی است، نیروی کار جوان و ارزان که موتور رشد اقتصادی بود را به‌تدریج کاهش می‌دهد. دلتای مکنونگ، قلب کشاورزی و تولید برنج ویتنام با تهدیدات زیست‌محیطی مانند بالا آمدن سطح آب دریا، شوری خاک و فرسایش مواجه است. این منطقه که ۵۰ درصد برنج صادراتی جهان را تأمین می‌کند، در برابر تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر است و هرگونه اختلال در آن می‌تواند امنیت غذایی و درآمد‌های صادراتی را به خطر بیندازد. افزون بر این، وابستگی شدید ویتنام به زغال‌سنگ برای تولید انرژی، آلودگی هوا را تشدید کرده و فشارهای بین‌المللی برای گذار به انرژی‌های پاک را افزایش داده است. این موضوع نه‌تنها هزینه‌های زیرساختی را بالا می‌برد بلکه می‌تواند سرمایه‌گذاران خارجی حساس به مسائل زیست‌محیطی را دل‌سرد کند.

در این شرایط، دولت ویتنام باید با دقت و سرعت عمل کند. تقویت روابط با آمریکا بدون خشمگین کردن چین، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز برای کاهش وابستگی به زغال‌سنگ و مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در دلتای مکنونگ، همگی نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه و منابع مالی هنگفت هستند. پروژه‌های بلندپروازانه‌ای مانند مجموعه توریستی ترامپ که پسر رئیس‌جمهور آمریکا وعده شگفتی‌آفرینی آن را داده، ممکن است به‌عنوان نمادی از همکاری اقتصادی با غرب مطرح شود اما موفقیت آن در گرو ثبات سیاسی و اقتصادی است. ویتنام در این تنگنای چندوجهی باید نشان دهد که می‌تواند همچنان به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در زنجیره تأمین جهانی و صحنه ژئوپلیتیک آسیا عمل کند، در حالی که با چالش‌های داخلی و خارجی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

منبع: اکونومیست



توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

بحران مدیریتی در قشم

درخواست نمایندگان استان هرمزگان از پزشکيان
برای انتخاب مدیرعامل جدید برای منطقه آزاد قشم

گروه گزارش: در یکی از روزهای مرطوب اردیبهشت، در قشم مرد میانسالی کنار اسکله بندر درگهان به دورست خلیج‌فارس خیره شده و زیر لب می‌گوید: «اگر همین آب، همین زمین، جای دیگری بود، حالا بهشت شده بود.» او بازنشسته یکی از سازمان‌های دولتی است اما امروز در کنار نواش، بساط میوه محلی پهن کرده تا بخشی از هزینه‌های زندگی‌اش را جبران کند. قشم، بزرگ‌ترین جزیره ایران در دهه‌های گذشته با وعده‌هایی درخشان از توسعه اقتصادی، آزادی تجاری و اشتغال بومیان در قلب گفتمان توسعه قرار گرفت. این جزیره که در فاصله‌ای کوتاه از بندرعباس و مشرف به تنگه هرمز قرار دارد، قرار بود به نسخه ایرانی سنگاپور تبدیل شود. اما امروز، پرسش‌هایی جدی درباره جهت‌گیری توسعه در آن مطرح شده؛ پرسش‌هایی که از پشت ویرین‌های خاک گرفته بازار قدیم قشم تا نشست‌های رسمی تهران پژواک دارد.

جزیره امروز ترکیبی است از فرصت‌های بالقوه و واقعیت‌های متوقف شده. بنادر توسعه‌نیافته، پروژه‌های نیمه‌تمام، تخصیص‌های مبهم اراضی و نارضایتی‌هایی که به تدریج به سطح آمده‌اند.

«ما چیزی از منطقه آزاد ندیدیم جز گرانی»، این را مریم، معلمی که در روستای طولا تدریس می‌کند، می‌گوید. «قرار بود مردم محلی نفع ببرند اما الان بیشتر زمین‌ها در دست غیربومی‌هاست و جوان‌های بیکارند یا مهاجرت کرده‌اند».

او تنها نیست. در هفته‌های اخیر، نامه‌های سرگشاده خانواده‌های شهدا، خطبه‌های انتقادی ائمه جمعه و اظهارنظرهای صریح نمایندگان مجلس، همگی حکایت از شکاف عمیقی دارند بین وعده‌های اعلام شده و آنچه در قشم رخ داده است. این انتقادات اغلب متوجه عادل پیغامی، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم است، چهره‌ای که سیاست‌هایش، به ویژه در زمینه پروژه‌های کلان، واکنش‌های شدیدی را برانگیخته است.

پیغامی در اردیبهشت سال ۱۴۰۲ با خطابه‌ای پرطمطراق در قامت عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با دفاع از حقوق قشمنودان، انتقاد از عدم توسعه متوازن در جزیره و مبارزه با فساد و رانت‌خواری به‌عنوان مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم معارفه شد. اما حالا با گذشت دو سال به سبب ناکارآمد و برخلاف شعارهایش؛ مردمان جزیره دل‌شکسته و خشمگین، همراه با چهار تن از نمایندگان هرمزگان در مجلس و سایر ذی‌نفعان این منطقه آزاد از جمله فعالین اقتصادی، یک مطالبه عمومی و صریح از شخص رئیس‌جمهور دارند و آن چیزی نیست جز برکناری پیغامی و انتصاب فردی اصلح برای مدیریت در راس سازمان منطقه آزاد قشم.

پروژه‌ی خلیج‌فارس، بزرگ‌ترین پروژه زیرساختی جنوب کشور که قرار بود، قشم را به خاک اصلی ایران متصل کند و

دیدگاه: یادداشت روز

نیمه منفی‌ها

چرا نیمی از نمادها منفی شدند؟

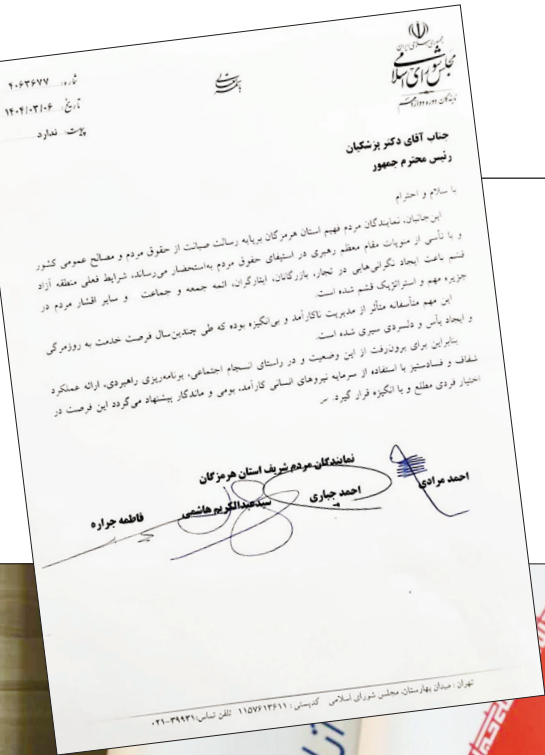
مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

بازار سرمایه در آخرین روز معاملاتی از اولین هفته خرداد ماه۱۴۰۴ با افت ناچیزی همراه بود؛به نحوی که شاخص کل بورس، ریزش ۴ هزار واحدی را تجربه کرد ولی شاخص هم وزن بورس و شاخص‌های فرابورس سبزپوش ماندند.

در این بین ۴۷ درصد نمادهای بورسی مثبت بودند و ۵۳ درصد دیگر منفی معامله شدند.

در بازار دیروز، ارزش صفوف خرید کاهش یافتند و در مقابل ارزش صف‌های فروش روند صعودی داشتند؛ همچنین ارزش معاملات کل و خرد هم نسبت به روز گذشته افزایشی بودند. این در حالی بود که ارزش معاملات خرد دیروز هم کمی بیشتر از ۱۰ هزار میلیارد تومان بود ولی جریان نقدینگی معکوس شد و حدود ۱۵۰ میلیارد تومان از سهام، حق تقدم و



زمینه‌ساز توسعه لجستیکی و حمل‌ونقل شود، امروز به نمادی از وعده‌های ناتمام بدل شده است.

یکی از پیمانکاران که خواست نامش فاش شود، گفت: «تا همین پارسال داشتیم، کار می‌کردیم ولی بعد همه چیز متوقف شد. مسائل مالی، اختلافات فنی یا شاید تصمیماتی از بالا... نمی‌دانم. فقط می‌دانم که خیلی از کارگران حالا شغل ندارند.»

پل، اگرچه روی کاغذ هنوز پروژه‌ای فعال است در واقعیت بدل به علامت سوالی بزرگ بر سر راه توسعه قشم شده است.

قشم در نقشه‌های توسعه‌ای به عنوان قطب حمل‌ونقل دریایی و هوایی جنوب معرفی شده بود. اما در بندر کاهو، هنوز بسیاری از ظرفیت‌ها مغفول مانده‌اند. فرودگاه بین‌المللی قشم نیز به‌رغم گسترش فیزیکی، نتوانسته پروازهای منظم و هدفمند جذب کند. برخی پروازهای خارجی لغو شده‌اند و گردشگرانی که زمانی از امارات یا عمان می‌آمدند حالا مقصدشان تغییر کرده است. «زیرساخت هست اما بهره‌برداری نیست»، این را یکی از فعالان گردشگری می‌گوید. «تا وقتی سیاست مشخص و ثبات مدیریتی نباشد، سرمایه‌گذار نمی‌آید.»

موضوع تخصیص زمین در قشم، حالا به یکی از پرچالش‌ترین پرونده‌ها تبدیل شده است. بسیاری از واگذاری‌ها با هدف راه‌اندازی پروژه‌های اقتصادی انجام شد اما در مواردی، یا به بهره‌برداری نرسیده‌اند، یا با تغییر کاربری مواجه شده‌اند. بومیان می‌گویند در تصمیم‌گیری‌ها نقش ندارند و فرآیندها شفاف نیست. یکی از کارشناسان حقوق اراضی که با منطقه آزاد همکاری داشته، می‌گوید: «سیستم تخصیص زمین نیازمند بازطراحی کامل

است. باید روشن شود، زمین برای چه هدفی واگذار شده، چه زمانی باید پروژه اجرا شود و اگر نشد، چه کسی پاسخ‌گوست.» یکی از پیچیده‌ترین واقعیت‌های قشم، اقتصاد غیررسمی آن است. کالاهایی که با معافیت وارد می‌شوند، گاه از مسیر رسمی نمی‌گذرند و بخش زیادی از بازار در دست شبکه‌های محلی و غیررسمی قرار دارد. این خرجه اگرچه برای بسیاری از خانواده‌ها معیشت فراهم می‌کند اما در عین حال، شفافیت اقتصادی و فرصت‌های رسمی را کاهش می‌دهد. یکی از مقامات سابق گمرک منطقه در گفت‌وگویی غیررسمی گفته: «نمی‌توانیم با معیشت مردم بجنگیم اما باید راهی پیدا کنیم که اقتصاد منطقه شفاف شود و سرمایه‌گذار احساس امنیت کند.»

آمارها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد صادرات منطقه آزاد قشم مربوط به فرآورده‌های نفتی است. این عدد، زنگ خطری است برای جزیره‌ای که می‌توانست از صنایع دستی، گردشگری دریایی، شیلات و خدمات دانش‌بنیان بهره‌مند شود اما اکنون در مدار نفت می‌چرخد. یکی از فعالان اقتصادی محلی می‌گوید: «قشم فقط نفت نیست. ما جزیره‌ای هستیم با منابع طبیعی، فرهنگ بومی و مردمی خلاق. اما این ظرفیت‌ها دیده نمی‌شود.» قشم با تمام چالش‌هایش، همچنان یکی از نقاط استراتژیک کشور است. اما بدون بازنگری جدی در راهبردها، شفاف‌سازی تصمیمات، توجه به صدای مردم و تمرکز بر توسعه پایدار، نمی‌توان امیدی به تحقق وعده‌ها داشت.

در میان صحبت‌های اهالی شاید جمله آن بازنشسته درگهان خلاصه تمام ماجرا باشد: «قشم هنوز می‌تونه بهشت باشه. اما باید بخوان. باید گوش بدن.»

به اینکه شاخص هموزن در برگزیده نمادهای بیشتری نسبت به شاخص کل است، ارزش معاملات خرد بورس تهران در انتهای روز چهارشنبه به میزان ۱۰ هزار و ۳۷۷ میلیارد تومان به ثبت رسید. در روز جاری به دلیل منفی بودن نمادهای بزرگ بازار و ارزش معاملات بالای بزرگان بورسی ۲۰۰ میلیارد تومان پول توسط حقیقی‌ها از گردونه معاملات بازار سهام خارج شد. دلار توافقی که در ۱۰ روز گذشته روند نزولی به خود گرفته بود، در روز چهارشنبه توانست کف کانال ۶۹ هزار تومان را حفظ کند و به قیمت ۶۹ هزار و ۲۰۶ تومان افزایش یابد. نرخ دلار بازار آزاد نیز در روز چهارشنبه، روند افزایشی به خود گرفت و به سطح ۸۲ هزار و ۷۵۰ تومان رسید. ادامه صعود دلار توافقی و کاهش شکاف آن با دلار بازار آزاد می‌تواند موجب افزایش جذابیت بازار سهام شود. در معاملات دیروز نیز میانگین نرخ اخزا به عنوان معیار نرخ بازده بدون ریسک بازار سهام در کانال ۳۴ درصد به پیشروی خود ادامه داد که این می‌تواند خبر بدی برای بازار سهام باشد. نسبت P/E بورس تهران در پایان معاملات روز چهارشنبه در سطح میانگین هفتگی یعنی عدد ۷٫۶ واحد قرار گرفت. هنوز این نسبت با مقاومت ۲۱ ماهه خود یعنی سطح ۸ واحد دست‌وپنجه نرم می‌کند. ارزش دلاری بازار سهام در انتهای روز چهارشنبه به میزان ۱۳۵ میلیارد دلار به ثبت رسید. از این حیث هنوز بورس تهران تا میانه ارزش دلاری خود در سطح ۱۵۵ میلیارد دلار فاصله خوبی دارد.



نادرست تأکید دارند. در این نمایش‌ها هدف اصلی ترساندن مردم از عذاب‌های پس از مرگ است. آن‌ها امیدوارند که مردم از ترس عقوبت در آن دنیا از رفتارهایی که برایشان مطلوب نیست، اجتناب کنند. اما این دیدگاه مشکل بزرگی دارد: ترس ممکن است انسان‌ها را از انجام رفتارهای خاصی بازدارد اما به هیچ عنوان باعث درونی شدن باورها و تغییرات پایدار در رفتار نمی‌شود.»

او همچنین اضافه کرد: «در جوامعی که همواره بر مجازات‌های سنگین و ترس از جهنم تأکید شده به‌طور معمول هیچ کاهش معناداری در جرم‌ها یا رفتارهای نادرست دیده نمی‌شود بلکه برعکس، بسیاری از افرادی که در چنین جامعه‌هایی زندگی می‌کنند همچنان دست به رفتارهایی می‌زنند که از آن‌ها ترس دارند. این به این معناست که سیاست‌های مبتنی بر ترس نمی‌تواند، عامل مؤثری برای تغییر رفتار در بلندمدت باشد.»

خبر: زنان

یک زن علیه زنان

معاون زنان ریاست جمهوری از مخالفت یک نماینده زنان با لایحه امنیت زنان خبر داد

لایحه منع خشونت علیه زنان که هدف اصلی آن پیشگیری از خشونت و حمایت از زنان آسیب‌دیده است به دلیل حذف ماده ۶۱۲ و تغییرات ماهوی گسترده در مجلس متوقف شده و دولت ایران در صورت عدم اصلاح، آن را پس خواهد گرفت. زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در این خصوص اعلام کرده که این تغییرات ماهوی، لایحه را از اهداف اصلی خود دور کرده و با وجود حمایت‌های اولیه مجلس، هنوز مشکلات اصلی این لایحه مرتفع نشده است. به ویژه ماده ۶۱۲ که به عنوان «لایحه رومینا» شناخته می‌شود مورد اعتراض جدی یک نماینده زن مجلس است و دولت معتقد است برای پیشگیری جدی‌تر از خشونت، این ماده باید حفظ شود. بهروزآذر تأکید کرده است که دولت برای اصلاح این لایحه جلسات تخصصی با معاونت حقوقی ریاست جمهوری و وزارت دادگستری برگزار کرده و خواستار توقف بررسی لایحه در مجلس تا زمان انجام مطالعات علمی و کارشناسی شده است. دولت همچنین اعلام کرده که بخشی از مسائل مرتبط با پیشگیری خشونت را می‌تواند از طریق آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی پیگیری کند و به دنبال حل مساله از طریق فرهنگ‌سازی در جامعه است. لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت پس از سال‌ها کش و قوس در دولت و مجلس ایران مطرح شده و کلیات آن در فروردین ۱۴۰۲ به تصویب رسیده اما بررسی جزئیات آن در کمیسیون اجتماعی مجلس به دلیل تغییرات اساسی و اختلافات هنوز نهایی نشده است. فعالان حقوق زنان امیدوار بودند که تصویب این لایحه گامی مؤثر برای کاهش خشونت و حمایت قانونی از زنان باشد اما تغییرات گسترده و مخالفت‌ها باعث شده، دولت آن را مسترد کند و روند تصویب متوقف شود. معاون امور زنان رئیس‌جمهور، مهریه را صرفاً یک عدد مالی یا دین مالی ندانسته بلکه آن را یکی از اضلاع مهم نظام حقوقی خانواده دانسته که نباید پیشنهادی کاهش مهریه از ۱۱۰ عدد سکه به ۱۴ عدد، گفته که این موضوع باید متوقف شود زیرا مطالعات جدی درباره تبعات آن صورت نگرفته است. بهروزآذر همچنین از تقد‌های جدی به ماده ۲۲ لایحه حمایت از زنان در خصوص مهریه خبر داده و تأکید کرده است که فشارهای اقتصادی نه تنها برای مردان بلکه برای زنان هم وجود دارد و نباید حقوق زنان در این زمینه نادیده گرفته شود. او از نمایندگان مجلس درخواست کرده که در مسیر اصلاح قانون، همه ابعاد و اضلاع نظام حقوقی خانواده به صورت جامع و کارشناسی بررسی شود.

ضعیف‌تری داشته باشد». از منظر کلی‌تر، این محدودیت باعث می‌شود که قانون و عرف جامعه در تضاد با هم قرار بگیرند؛ یعنی بسیاری از مردم موتورسواری زنان را امری عادی می‌دانند اما در چارچوب قانون، این عمل «جرم» محسوب می‌شود. افزون بر آن، فقدان گواهینامه به معنی محرومیت از بیمه شخص ثالث و خدمات بیمه‌ای هم هست و بیمه‌های خصوصی نیز از صدور بیمه موتورسیکلت با راننده زن خودداری می‌کنند.

فقه و مذهب چه می‌گویند؟

در حوزه مذهبی و فقهی نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد، حکم موتورسواری زنان این‌فقهی جایز است مشروط بر رعایت موازین شرعی. استادان حوزه علمیه قم و برخی مراجع تقلید بیان کرده‌اند که همانند سایر مصادیق اجتماعی، «موتورسواری بانوان جایز است به شرطی که حجاب و هنجارهای پوشش رعایت شود». یکی از علمای قم به تجارت‌نیز گفته که «حکم فردی و اجتماعی این مساله تفاوتی ندارد» و اصل بر جواز است؛ به نظر او اگر شرعت چیزی را منع کرده بود باید نصوص صریح زیادی به آن اشاره می‌کرد و در این باره چنین چیزی در دست نیست. از سوی دیگر، عده‌ای دیگر از علما (مثل برخی انصه جمعه) تأکید کرده‌اند که وسایل موتوری باید به نحوی طراحی شوند که موجب جلب توجه نامحرم نشوند (مثلاً پوشاندن بودن کامل موتور یا پوشش چهره). مخالفان این دیدگاه پاسخ داده‌اند که در اسلام مثال‌های فراوانی از زنان راکب بدون منع وجود دارد (مانند سوارکاری بانوان در صدر اسلام) و محرم‌سازی زنان در جامعه امروز فقط به بهانه حفظ عفت، غیرمنطقی است. به عبارت یک فعال حقوق زنان: ایران در کنار کشورهایی مانند افغانستان، یمن و ترکمنستان است که چنین محدودیت‌هایی دارند، در حالی که عربستان سعودی سال‌ها پیش ممنوعیت رانندگی زنان را لغو کرده و قوانین را برابر وضع کرده است. از این منظر، فشار برخی جریان‌های سنتی مذهبی، مهترین مانع صحبت آزادانه و اصلاح قانون ارزیابی می‌شود.

ممنوعیت ضمنی کنونی نه‌تنها تبعیض‌آمیز است بلکه پیامدهای گسترده‌ای در سطح جامعه دارد. اولاً، محروم‌سازی زنان از گواهینامه و آموزش عملاً به کاهش ایمنی می‌انجامد؛ چراکه بدون آموزش رسمی و قوانین مشخص، زنان خودآموخته در معرض خطرات بیشتری قرار می‌گیرند. ثانیاً به دلیل همین محرومیت از نظام بیمه و دیه نیز محروم می‌شوند. این امر برخلاف اصل عدالت اجتماعی است.

از منظر حقوقی، استمرار این وضع یعنی «ترویج پشت‌میزی»؛ چون زنان بسیاری ناچارند، قانون‌شکنی کنند (رانندگی بدون مجوز) و همین باعث تضعیف قبح جرم در جامعه می‌شود. به طور مثال بر اساس آخرین آمارها حدود ۱۲ میلیون موتورسیکلت در کشور تردد می‌کنند و بخش قابل توجهی از زنان بین ۱۹ تا ۳۰ درصد این راکبان را تشکیل می‌دهند اما هیچ قانونی متناسب با این واقعیت بروز نشده است. در این فضا، تبعات منفی فرهنگی نیز خود را نشان می‌دهد. پرسش این است که با قوانین قدیمی چگونه می‌توان با واقعیت‌های امروزی سازگار شد؟ بسیاری از زنان با رعایت کامل حجاب و پوشش شرعی موتورسواری می‌کنند. به گفته تحلیلگران اجتماعی، «حفظ حیا با پوشش و فرهنگ ممکن است نه با محروم‌سازی نمی از جامعه از حقوقشان». در بسیاری شهرها زنان با موتورهای برقی یا دوجرخه شخصی رفت‌وآمد می‌کنند و با استقبال مردم مواجه شده‌اند. این مقاومت مدنی و تغییر تدریجی هنجارها نشان می‌دهد، خواست جامعه در حال تغییر است حتی اگر قانون فعلی کماکان بر محدودیت‌ها و پرهیز از تقابل با هنجارها پافشاری کند.

راهنمایی به گونه‌ای نیست که رسماً موتورسیکلت‌سواری زنان را جرم بداند. حتی قانون با صراحت، مجازاتی در مورد مانع‌تراشی برای این مسأله وضع نکرده است. بنابراین در شرایطی که ایران جمعیتی بالای ۶۰ میلیون نفر دارد و برآورد می‌شود حدود ۱۲ میلیون موتورسیکلت در کشور تردد کند، محروم‌سازی نیمی از جامعه (که به گفته برخی تا ۱۹ درصد از راکبان فعلی را تشکیل می‌دهند) از داشتن گواهینامه، تنها ناشی از تعلیق حقوقی است نه ممنوعیت صریح.

روایت بانوان موتورسوار: دغدغه‌ها و تجرب‌ها

در کنار تحلیل‌های حقوقی، صدای زنان موتورسوار نیز بازتاب درد و امید جامعه است. زنان بسیاری هر روز در خیابان‌های بزرگ با موتور برقی یا بنزینی تردد می‌کنند بی‌آنکه گواهینامه رسمی داشته باشند. آنان از چالش‌های این وضعیت می‌گویند: یکی از موتورسواران زن تهرانی در مصاحبه با رسانه‌ها چنین گزارش کرد: «متأسفانه بیشتر از اینکه حواسم به کنترل موتور باشد یا نگران درد و خفتگی‌باشم، مراقب پلیس راهنمایی و رانندگی بنییم و همیشه اضطراب دارم. اگر تصادف کنم و کسی به من بزند، در هر حال من مقصرم چون گواهینامه ندارم». این پیام تأثیر اختلاف مسئولیت حقوقی حوادث هستند در حالی که خود می‌بینند که مردان از این امکان قانونی برخوردارند. «سوسن» یکی دیگر از موتورسواران می‌گوید، رفتار جامعه هم آمیخته با تردید است: «خیلی‌ها وقتی می‌بینن راننده موتور دختره می‌گن «دمت گرم». اما بعضی مردها هم متلک می‌اندازن و معمولاً می‌گن «برو بشین پشت ماشین ظرفشویی». البته من سعی کردم به این واکنش‌های بد عادت کنم، هرچند که هنوز هم برام درد داره.» این تجربه‌های مستقیم نشان می‌دهد علاوه بر موانع حقوقی، زنان با نوعی نگاه فرهنگی قدیمی نیز روبرو هستند که موتورسواری بانوان را خارج از عرف تصور می‌کند. با این حال افزایش روزافزون زنان موتورسوار در شهرهای بزرگ (و استقبال مردم از حضور آنان در معابر) نشانه‌ای است از تغییر تدریجی ذائقه عمومی

نظر کارشناسان اجتماعی، ترافیکی و مذهبی

کارشناسان بخش‌های مختلف جامعه تأکید می‌کنند که این موضوع باید از دید اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نیز دیده شود. کارشناسان اجتماعی معتقدند، ممانعت از موتورسواری زنان عواقب گسترده‌ای در پی دارد؛ از یک‌سو برابری جنسیتی در فضای شهری و عدالت حمل‌ونقل را نقض می‌کند و از سوی دیگر «محروم کردن نیمی از جمعیت از حقوق ابتدایی مانند آموزش و دریافت گواهینامه، تبعاتی مانند کاهش ایمنی، افزایش نارضایتی عمومی، آسیب حقوقی پس از حوادث و عقب‌ماندگی از مسیر توسعه را به همراه دارد. تجربه جهانی نیز نشان می‌دهد که با آموزش رسمی و فرهنگ‌سازی درست می‌توان این مشکلات را مدیریت کرد؛ مثلاً در بسیاری کشورها که زنان به راحتی موتورسواری می‌کنند، میزان حوادث ناشی از عدم آموزش رسمی به آنان کاهش یافته است.

از نظر کارشناسان ترافیکی، ایمنی عمومی مهم است؛ در نبود امکان قانونی آموزش و گواهینامه، زنان اغلب به صورت خودآموز و بدون آموزش علمی رانندگی می‌کنند که خطرات جانی آنان را افزایش می‌دهد. در مواقع تصادف، خود فقدان گواهینامه نیز مشکلات حقوقی زیادی ایجاد می‌کند. همان‌طور که یک گزارش تخصصی تصریح کرده، «وقتی یک زن بدون گواهینامه موتور دچار تصادف شود ممکن است از دریافت کامل دیه یا حمایت بیمه‌ای محروم شود و در دادگاه نیز موقعیت

شرایط جهنمی!

واکنش‌ها به پروژه «ساعت به وقت بهشت» در فومن

مفاهیم دینی را به طور مؤثر به مخاطبان انتقال دهد. در پوشش خبر توسط رسانه‌های داخلی غالباً بر تلاش جمعی هنرمندان و جوانان متعهد و استقبال عمومی تأکید شده است.

انتقادات کاربران و رسانه‌ها

انتشار خبر پروژه «ساعت به وقت بهشت» واکنش‌های منفی قابل توجهی در فضای مجازی و رسانه‌های منتقد برانگیخت. کاربران شبکه‌های اجتماعی با اشاره به مشکلات اقتصادی مردم- از قبیل قطعی برق، کم‌آبی و تورم- ساخت چنین فضایی را نمادی از بی‌توجهی مسئولان به اولویت‌های واقعی جامعه دانستند. برخی کاربران نیز به طنز نوشتند: «با بی‌برقی و بی‌آبی طی چند روز اخیر به اندازه کافی جهنم را تجربه می‌کنیم و خوب است که درهای بهشت را به روی مردم باز کنند». افزون بر این، وب‌سایت عصر ایران به نگرانی‌های زیست‌محیطی پروژه نیز اشاره کرد و نوشت این اقدام در منطقه‌ای سرسبز نزدیک جنگل‌های هیرکانی باعث تخریب پوشش گیاهی شده و در فقدان مدیریت پسماند و کنترل آلاینده‌گی صدا مورد انتقاد قرار گرفته است. این رسانه‌ها پرسیده‌اند که آیا ارزش دارد برای شبیه‌سازی جهنم، بخش‌هایی

گروه اجتماعی: اخیراً اعلام شد پروژه‌ای فرهنگی-آموزشی با عنوان «ساعت به وقت بهشت» رانندازی گردید که در آن تجربه‌های پس از مرگ مثل «وضعیت قبر»، «مواجهه با نکیر و منکر» و «عبور از پل صراط» با استفاده از آتش واقعی شبیه‌سازی شده است. این خبر با بخش ویدیویی یکی از مقامات شهر فومن منتشر شد و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت. در نهایت دیروز تصویری از این جهنم در فضای مجازی منتشر شد. در تصاویر منتشر شده، آتش‌های پراکنده‌ای بر روی زمین تعبیه شده، صداهایی خوفناک از بلندگو پخش می‌شود و افرادی سفیدپوش در این جهنم ساختگی زیر شلاقان ماموران جهنم هستند!

پوشش رسانه‌ای و استقبال مردمی

برخی رسانه‌های اصولگرا اجرای این طرح را «اقدامی بی‌سابقه فرهنگی و رسانه‌ای» توصیف کرده‌اند. به‌عنوان مثال، خبرگزاری مهر گزارش داد که در نخستین شب اجرای این نمایش میدانی بیش از دو هزار نفر از اقصاشار مختلف مردم حضور داشتند. حاضران پایان اجرا با ابراز رضایت از کیفیت صحنه‌آرایی و روایت نمایش، تأکید کردند که این پروژه توانسته

ادامه تیتربک

موتور روشن، قانون خاموش

با این حال بخشی از سیاستمداران بر لزوم بازنگری تأکید دارند. جلال رشیدی‌کوچی با اشاره به برخی مقررات قانونی گفته است «مشکلی از لحاظ قانونی جهت صدور گواهینامه برای بانوان ایرانی وجود ندارد». همچنین سردار حسین رحیمی (فرمانده پیشین پلیس تهران) تصریح کرده که «تناقض است که زنان می‌توانند ترک موتورسیکلت بنشینند اما نمی‌توانند راننده آن باشند؛ این کج‌سیلگی باید اصلاح شود». به‌عبارت دیگر از نگاه برخی مسؤولان ارشد نیز ادامه روند فعلی نه‌تنها منطقی نیست بلکه نیاز به اصلاح حقوقی و اجرایی دارد.

خلأ حقوقی یا ممنوعیت صریح؟ دیدگاه حقوق‌دانان

حقوق‌دانان معتقدند آنچه فعلاً مانع صدور گواهینامه به زنان شده، نبود صراحت قانونی است نه دستور مستقیم منع. فرشاد اسماعیلی، کارشناس حقوقی با مرور قوانین مرتبط می‌گوید اساساً «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت در کشور بر عهده نیروی انتظامی است و هیچ‌جا در قوانین عنوان نشده که صدور گواهینامه موتور برای بانوان ممنوع است. به گفته او در «آیین‌نامه صدور گواهینامه (۱۳۹۰) از عبارت «هر کس» استفاده شده و حتی در اصلاحیه ۱۴۰۲ نامی از «مردان» در صدور گواهینامه برده نشده است». به بیان او، اصل سیستم قانون اساسی برابری زن و مرد در مواجهه با قانون را تضمین می‌کند بنابراین «با توجه به این استدلالات، نیروی انتظامی صلاحیت صدور گواهینامه برای زنان را نیز دارد. مطابق این استدلال‌ها چندین حقوق‌دان نتیجه گرفته‌اند که اشکال فعلی ناظر بر «تفسیر» بصره ماده ۲۰ است؛ استفاده از واژه «مردان» در آن بصره به معنی نفی صلاحیت پلیس برای صدور گواهینامه به زنان نیست (اصول فقه «اثبات شئی» و نفی ماعدا نمی‌کند)». به معنی «اشاره به یک مورد به معنای محرومیت بقیه موارد نیست» به همین خاطر برخلاف ادعای پلیس که «مجوز قانونی ندارد»، گروهی از کارشناسان بر لزوم بازخوانی قانون تأکید می‌کنند. مریم صفاران، حقوق‌دان دیگر تصریح می‌کند: «منع قانونی جهت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان نداریم؛ چون در هیچ کجایی از مواد قانونی کشور نیامده که صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان ممنوع است.»

او اضافه می‌کند: موضوع به اندازه‌ای پیچیده نیست که نیاز به قانون جدید داشته باشیم و «صرفاً کافی است در رویه پلیس راهور که تاکنون فقط به مردان گواهینامه می‌داده برای بانوان نیز گواهینامه صادر شود». از نگاه او، محدود کردن زنان کارنامه‌ای عقلانی به همراه ندارد و با تأکید بر اصل مساوات باید اجازه موتورسواری زنان را مهیا کرد.

در عمل، دادگاه نیز در یک مورد خاص به نفع تقاضای بانویی اصفهانی حکم داده بود. در سال ۱۳۹۸ زن متقاضی متذکر شده بود در هیچ قانون و مقرره‌ای ذکر نشده که زنان حق موتورسواری ندارند اما پلیس به استناد بصره ماده ۲۰ گواهینامه نداده است. دادگاه بدوی در آن شکایت، راهور را ملزم به صدور گواهینامه کرد اما این حکم در دادگاه تجدیدنظر نقض شد. گرچه دادگاه نتایج اختلاف‌آمیزی دارد اما نشان داه، حقوق قضایی نیز به صراحت قانون استناد نکرده و در بلا تکلیفی به سر می‌یریم.

جمع‌بندی حقوق‌دانان این است که «تنها مشکل، اشکال قانونی نیست بلکه رویه اجرایی غیردقیق» است؛ از نظر آنها قانون فعلی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی‌هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۶۷

ادامه یک‌شنبه ۱۴ بهمن

زلزله سنگین در غرب ترکیه

شب به مرکز هوانیروز رفته؛ مراسم دهه فجر با دعوت از باننشستگان و خانواده‌ها داشتند. گزارش آقای [مجید] عقیقی‌روان، [فرمانده هوانیروز] و اعطای جوایز سیس سخنرانی من درباره خدمات شایسته هوانیروز در جنگ و حوادث و افتخارات دفاع مقدس و عکس‌العمل مناسب جهانی در مقابل اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا که ایران، عراق و کره شمالی را مثلث [شرارت] شیطانی خوانده و تهدید کرده بود.

زلزله سنگین در غرب ترکیه، طوفان وسیع در شرق آمریکا و انگلستان و آتش‌سوزی بسیار وسیع در جنگل‌های فرانسه از حوادث قابل توجه است. آقای [محمد] نیازی، [رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح] جواب مفصلی به آقای [مهدی] کروی، [رئیس مجلس] داده است.

دوشنبه ۱۵ بهمن

گزارشی از امور مربوط به گفت‌وگوی تمدن‌ها

[آقای سعید سهراب‌پورا، رئیس دانشگاه صنعتی شریف و آقای ابومحمد مرتضوی، مسئول نمایندگی رهبری و آقای مظفر و چند دانشجو آمدند. گفتند، وضع علمی این دانشگاه، بهترین است و بیش از ۹۰ درصد اولی‌های کنکور و موفقان در المپیادها به اینجا می‌آیند و از لحاظ انضباط مشکلی ندارند و با اینکه بیش از ۵۰ گروه و انجمن دانشجویی دارند به خاطر فضای تحصیلی خوب، شلوغی و بی‌انضباطی ندارند و چند هیأت مذهبی هم به صورت سنتی دارند. گفتند، روحیه سیاسی در دانشگاه‌ها رو به نزول است. برای امور فرهنگی کمک خواستند.

آقای [جلیل] بشارتنی، مسئول دفتر مناطق محروم [ریاست‌جمهوری] آمد. گزارش کارها را آورد. آقای [سیدرضا] زواره‌ای، [عضو شورای نگهبان] آمد. از وضع مدیریت کشور و نیز از نحوه کار قوه قضائیه از جمله در پرونده [شهرام] جزایری، انتقاد دارد که بیش از تحقیق، اسامی متهمان را مطرح می‌کنند و نگرانی که از حسن‌ختم کار وجود دارد.

آقای حسین مرعشی، [نماینده کرمان] آمد و گفت با آقای خاتمی، [رئیس‌جمهور]، ملاقاتی داشته؛ ایشان از اظهارات آقای [مهدی] کروی در مجلس ناراضی بوده و خودش هم ناراحت است و می‌گوید به کلی مایوس است که بتواند کاری از پیش ببرد و از عدم هماهنگی با رهبری ناراحت است و می‌گوید، سه روز قبل از روزهای ملاقات، ناراحت است به خاطر انتقاداتی که از ایشان می‌شود و دو روز بعد از ملاقات هم تحت تأثیر اظهاراتشان ناراحت است و گفت، منتظر فرصت مناسبی است که تکرار برود. امشب در اخبار آمد که آقای خاتمی، دوباره دچار عارضه دیسک [کمر] شده و برنامه‌های چند روز آینده را تعطیل کرده است. عصر آقای [عطاالله] مهاجرانی، [رئیس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها] آمد. گزارشی از امور مربوط به گفت‌وگوی تمدن‌ها داد و گفت، استقبال خوبی شده است. از اوضاع جاری به‌خصوص اظهارات آقای کروی و بیانیه آقای [محمد] نیازی در دادگاه [شهرام] جزایری انتقاد کرد و از من خواست که برای مهار امور کشور دخالت کنم. [کالین پاول و دونالد رامسفیلد] وزیران امورخارجه و دفاع آمریکا، امروز حرف‌های جورج بوش را تکرار کرده‌اند. در مزارشریف بین دو گروه جهادی [افغانستان] درگیری پیش آمده است. در روزنامه‌ها، مناظره آقایان کروی و نیازی مورد توجه است.

سه‌شنبه ۱۶ بهمن

بودجه سال ۲۰۰۳ دولت آمریکا

بودجه سال ۲۰۰۳ که دولت آمریکا به نگره داده، یک بودجه جنگی تلقی شده است. بودجه نظامی را ۱۴ درصد رشد به ۳۷۹ میلیارد دلار رسیده که نسبت به گذشته بی‌سابقه است؛ علاوه بر ۳۸ میلیارد دلار بودجه امنیت داخلی که ۵۰ درصد رشد نشان می‌دهد و به ناچار اعتبارات بخش آب و راه کاسته شده است. دموکرات‌ها با این بودجه مخالفند به‌علاوه تخفیف‌های مالیاتی و کسری بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بودجه هم آنها را ناراضی کرد.

داشته باشند) مثلاً هویت شرق آسیایی، سپس آسیایی و شهروند جهانی هم دارند، ممکن است تعلق‌های فرهنگی، عقیدتی و یا سبک زندگی متفاوتی داشته باشند والی آخر. مفاهیمی مانند «دولت-ملت» که در دوران گذشته با توصیفی ساده‌تر از انسان و جامعه معنا می‌یافتند، امروز با تغییر ماهیت فرد سپس جامعه در پارادایمی نو، باید بازتعریف و بازآفرینی شوند.

درارتباط با هویت منطقه‌ای، «کشورمحوبانی» دیپلمات برجسته سنگاپوری می‌گوید: قرن بیست‌ویکم قرن آسیایی است، آسیا درحال بازگشت به مرکز صحنه جهانی است و پتانسیل رنسانس آسیایی درعصر حاضر وجود دارد. یعنی به صورت پیش‌فرض علاوه بر ملیت، هویتی آسیایی قائل است و براساس آن استدلال می‌کند.

اگر ۱۰ هزار سال پیش، هویت فرد فقط درارتباط با چند ده نفر، اعضای خانواده و گروهی کوچک در منطقه‌ای محدود و غالباً منزوی تفسیر می‌شد، امروز و درآینده، افراد دل‌ریه‌های مختلف و به اصطلاح پوست‌پیزی در ارتباط با همه ساکنین زمین، هویتی گونه‌گون می‌گیرند و بعضاً حتی خود اشخاص نسبت به تعلقات هویتی خود نیز دچار سردرگمی می‌شوند. درهر حال فن‌آوری و پیوستگی جهانی، نظم سابق را پاریداره کرده و نظمی پیچیده با ویژگی‌های متفاوت و درهم‌تیده رخ نموده است.

مجموعاً در قالب پارادایم جدید احتمالاً جوامع متکثر، مزیت‌های افزون‌تری جهت همکاری‌های مؤثر جهانی داشته باشند. اتحادیه‌های گوناگون در سراسر دنیا، نمونه‌های چنین همکاری‌هایی هستند و نتوانسته‌اند به فرآیند توسعه جوامع یاری برسانند. همچنین در ساختارهای نوین، انگیزه وحدت‌ملت‌ها بیش از آنکه ناظر به «گذشته» و تاریخ باشد، نگاه به «آینده» دارد و آنچه سبب همبستگی ملی می‌شود، هدف مشترک جوامع به جانب توسعه و رفاه است.

حال نظریه همه مطالبی که گفته شد و ظهور پارادایم بنیان‌افکنی که همه چیز را تغییر داده و بسیار بیش ازاین متحول خواهد ساخت، چه باید کرد. چه مفهومی از ایران به کار آینده می‌آید؟ اینجااست که برخلاف بسیاری تصورات پیشین نه تنها برای ایجاد همبستگی نیازی به یکسان‌سازی و انکار دیگری نیست بلکه تنوع فرهنگی، زبانی، قومی و... ایران در پارادایم جدید می‌تواند بدل به نقطه قوتش شود. تکثرقومی و فرهنگی ایران، بازتابی از کل خاورمیانه است. هیچ کشوری درمنطقه به اندازه ایران متنوع نیست. جالب آنکه تنوع مزبور فقط درساکنینش نیست بلکه اقلیم و جغرافیای ایران نیز گوناگون است و بر جذابیت‌های سرزمینی ما می‌افزاید. تنوع ایران موجب می‌شود تقریباً با همه کشورهای منطقه، پیوندی ارگانیک داشته باشیم و این مزیت کوچکی نیست. ایران می‌تواند بسان چهارراهی پرفتوح‌آمد، محل تلاقی منافع همگان باشد. خاورمیانه آینده دو بال خواهد داشت یکی حوزه خلیج فارس با هادایت عربستان سپس امارات و دیگری قلمرو و شامات و مدیترانه که توسط ترکیه رهبری می‌شود. ایران

هر توصیفی از دولت - ملت و هویت ملی که بی‌توجه به این پارادایم نوین باشد، محکوم به فناست و توان بقا ندارد. پارادایم مذکور بر شالوده مفاهیمی نو ازجهانی شدن و فن‌آوری‌های فوق پیشرفته، هستی یافته است. ازجمله هوش مصنوعی فرانسانی، مدل‌های زبانی پیشرفته، ربات، تراشه‌های مغزی، کوانتوم کامپیوتر، اقتصاد مبتنی بر فن‌آوری، دگردیسی مفهوم پول، خدمات جهانی شده(مثل اینترنت جهانی، ارزهای دیجیتال جهانی، حمل‌ونقل‌های فوق سریع مثلاً کمتر از یک ساعت بتوان به هر نقطه از جهان جابه‌جا شد)شهروند جهانی، جامعه مدنی جهانی، مهاجرت، مگا شرکت‌های جهانی، عصر فراوانی و... بخشی از پارادایسم دنیای آتی، هستند. چنانکه سال‌های پیش‌رو، متفاوت از گذشته خواهد بود که صحبت از هر نظم سنتی پیشین یا هر سامانی بر پایه مفاهیم گذشته از بنیاد، گزاره‌ای نامفهوم است. افزون برهمه اینها، هوش مصنوعی شبه انسانی (agi)، تراشه‌های مغزی و ربات‌ها، خود فصل به غایت جدیدتری را رقم خواهند زد. هویتی دیجیتال در آستانه زایش است که ما هیچ تصویری از آن نداریم و پیش‌بینی می‌شود به تدریج حتی نقش‌های پیچیده انسانی به هوش مصنوعی انتقال یابد. انقلاب بعدی، اتصال مغز انسان به کامپیوتر و تراشه‌هاست که شاید به انقراض زبان‌ها بینجامد. بدین صورت که مفاهیم با پهنای باند بالا، شاید میلیون‌ها برابر سریع‌تر ازگفت‌وگو با واژگان میان تراشه‌های کاشته شده در مغز افراد منتقل می‌شوند. بدین‌گونه، راه تازه‌ای از ارتباط و جابه‌جایی داده میان انسان‌ها شکل می‌گیرد که هویت انسانی و خودآگاهی ما را به کل واز بیخ و بن، واژگون و ناشناخته خواهد کرد. مطلب آخر، داستان مفصلی است که باید جداگانه و مبسوط بررسی و تحلیل شود.

«فیلیپ جی. سرنی» نظریه‌پرداز سیاسی، تأثیر فن‌آوری و جهانی شدن بر هویت ملی را چنین بازگو می‌کند: «جهانی شدن فقط دربارۀ تغییر روابط در داخل کشورها و نظام بین‌المللی نیست. این امر دسته‌بندی‌های رایج را منسوخ می‌کند. تقاطع‌های چندلایه، زمین‌های بازی همپوشان و بازیگرانی ماهر، فراتر از مرزها ایجاد می‌کند و افراد را همزمان ریشه‌دار و بی‌ریشه می‌سازد. ماهیت تولیدکنندگان محلی و مصرف‌کنندگان جهانی، تهدید می‌شود اما همچنان بازسازی نیز می‌شوند». «سرنی» فرآیند جهانی‌سازی را موجب سیال شدن هویت‌های ملی می‌داند و می‌گوید، فناوری‌های دیجیتال این سیالیت را با اتصال افراد به شبکه‌های جهانی تشدید می‌کنند. وی معتقد است، «فناوری‌های پیشرفته مانند پلنفرهای دیجیتال، ساختارهای سنتی دولت-ملت را تضعیف و به سمت مدل‌های شبکه‌ای جهانی سوق می‌دهند. جهانی شدن، هویت ملی را از بین نمی‌برد بلکه آن را بازیگر‌بندی ویا ادغام سنت‌های محلی و جریان‌های جهانی هویت‌های ترکیبی ایجاد می‌کند».

امروز انسان‌ها، هویتی چندلایه، چندوجهی و متکثر دارند و نمی‌توان در یک جمله، هویت فرد را بیان کرد. هم‌زمان که شهروند کشوری هستند(بعضاً ممکن است تابعیت چندگانه

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای نصراله محمدزاده با تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق ذیل شماره ۶۶۵۳۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ دفترخانه ۲۰۰ تهران اعلام نموده سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به پلاک ۹۳۱۰ فرعی از ۲۴۲۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۲۶۷ فرعی از اصلی مذکور به مساحت ۹۸ متر مربع واقع در بخش ۱۰ تهران ذیل ثبت ۲۱۴۰ صفحه ۳۴ دفتر ۱۷ و به شماره چاپی ۷۱۳۲۰۵ به نام نصراله محمدزاده ثبت و سند صادر شده است و برابر سند رهنی شماره ۵۶۴۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۴ دفترخانه ۳۹۳ تهران در رهن بانک دی است. که بانک برابر نامه شماره ۰۲/۱۳۸۶/ب/د موافقت خود را اعلام نموده است. سپس نامبرده فوق به موجب درخواست ۱۰۷۸۰۴۲۲۴۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۸ با اعلام فقدان سند مالکیت به علت جابجائی تقاضای صدور المثنی اسناد مالکیت پلاک مذکور را نموده است لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت (مصوب ۸۰/۱۱/۰۸) مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاص مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ده روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این منطقه واقع در تهران خیابان دامپزشکی بعد از تقاطع جیحون اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یافت آباد تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضای مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض یا در صورت اعتراض و عدم ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد
تهران – خداداد بشیری

شناسه آگهی ۱۹۴۰۵۷۳

پیش نویس آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مهتاب معیری پور اصلاتا و با تسلیم استشهادیه گواهی شده شماره ۲۰۷۰ و ۲۰۷۱-۱۴۰۳/۰۳/۰۶ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۸ شهر قدس طی درخواست وارده ۱۴۰۹۰۴۱۹۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ با اعلام اینکه سند سه دانگ از ششدانگ یک دستگاه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۱۵۸۵ فرعی از ۳۷۴۴ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۳۰۲ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۰۱ و واقع در بخش ۰۳ حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران به مساحت ۱۱۱/۲۰ که مقدار ۵/۷۵ متر مربع آن بالکن است، به نام خانم مهتاب معیری پور بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۰۳۹۶ تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۶ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۲۳۱۶۳ سری ج سال ۰۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۴۹۰۰۸۲۵۶ ثبت گردیده است.که به علت جابجایی مفقود گردیده، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است که در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت (اصلاحی ۸۰/۱۱/۰۸) مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ولیعصر
تهران – سارا صالحی

شناسه آگهی ۱۹۴۰۵۶۰